

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

- ۳ - تصویب مجلس دائر به ابراز رای اعتماد به هیئت دولت
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه مذاکرات در برنامه دولت

مجلس يك ساعت و سه ربع پيش از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس پنجشنبه بیستم آذرماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند

\*\*\*

## ۱ - تصویب صورت مجلس

— کرده ایم باز هم حاضریم که استفاده کنیم . بنده بمناسبت

بیاناتی که در جلسه گذشته مدقتضی میدادم که بعضی عرایض را بکنم . از جمله بعضی از آقایان اشاره فرمودند در باره سیاست خارجی و اظهار میل کردند باین که در سیاست خارجی دولت مذاکره بشود . بنده هم عقیده باین است که خوبست بلکه هم لازم است که گاهی اوقات سیاست خارجی دولت در مجلس شورای ملی مطرح مذاکره بشود ( صحیح است ) سیاست خارجی ما بلکه تمام دول امروز مدارش بر این جنگی است که در حال جریان است . خاطر آقایان

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( گفته شد - خیر )

صورت مجلس تصویب شد .

## ۲ - بقیه مذاکرات در برنامه دولت

اعضای وزیر - در جلسه گذشته چند نفر از آقایان نمایندگان محترم بیاناتی فرمودند در باره برنامه دولت که مطرح مذاکره است که بسیاری از آنها توضیحات و مذاکرات بود توضیح در بعضی مطالب که اکثر محل توجه هیئت دولت هم بوده و هست و در هر صورت ما از بیانات آقایان استفاده

( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۲۰ )

این مذاکرات مشروح همین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\*\*

تلفظ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین بی اجازه - آقایان ، توابت - دکتر ضیاء - صدر - ناصری - اعظم زنگنه - مؤید قوامی - دکتر ادهم - جهانشاهی - آصف نهرانچی - صادق وزیري - مقلد .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان ، اکبر - خسروشاهی .

بخوبی مستحضر است که دامنه این جنگ روز بروز توسعه پیدا کرده است تا جایی که امروز تقریباً تمام دیپلرا گرفته است و کمتر جایی است بلکه شاید جایی نیست که مستقیم یا غیر مستقیم از این جنگ نصیبی نداشته باشد ناچار ما هم همین حال را داریم. حالا باید بخاطر آورد وقایع شهریورماه گذشته را در آن موقع قوای دولتی شوروی و انگلیس داخل خاک ما شدند و عملیاتی کردند دولت مصلحت ندید با آنها ستیزگی بکند و مقتضی دیدند که ترك مقاومت بکنند و با نمایندگان آن دو دولت مشغول مذاکره شدیم و مذاکرات ما منتهی شد بمبادله مکاتباتی که در همان شهریور ماه آنها را به مجلس آوردیم و آقای وزیر امور خارجه قرائت کردند و خاطر آقایان و عموم ملت از قضایا مسبوق شد که علت وقوع این وقایع چه بود. بنده فرض میکنم که اگر از خود حضرات آقایان شورویها و انگلیسها هم پرسیم اینطور جواب خواهند داد که این جنگ از برای ما يك مسئله حیاتی و مهمی است حکایت جنگهای سابق نیست سابقاً وقتی دو دولت باهم جنگ میکردند سر يك موضوع خاصی بود مثلاً برای این بود که يك قطعه خاکی از آن دولت بگیرند یا خاکی که آن دولت از آنها گرفته است پس بگیرند وقتی که يك طرف مغلوب میشد مقصود طرف دیگر حاصل شده و کار تمام میشد اما این جنگ اینطور نیست این جنگ جنگی است که اگر ما مغلوب شویم دشمن ما وجود ما و حیثیات ما را فانی خواهد کرد بنا بر این ما مجبوریم که بهر وسیله متوسل بشویم که مانع این پیش آمد بشود از جمله آلمانها رسم دارند که هر جا هستند بهر قسم که میتوانند برضد ما کار کنند و برای ما مشکلات برآشند و فتنه انگیزی میکنند و ما مطلع بودیم که در ایران هم جماعت کثیری از آلمانها جمع شده بودند چهار صد پانصد نفر آنها که مردمان کاری هستند مشغول بهمین عملیات هستند و تهیه میدیدند که فتنه بزرگی را ایجاد کنند بدولت شما هم این تذکرات را دادیم و توقع کردیم تمنی کردیم رفع این شر را بکنند دولت شما آغنائی که میبایست بکنند نکرد و ما مجبور شدیم بالاخره خودمان عمل کنیم.

بلکه میخواهیم با شما دوست باشیم و این کارها را از روی اجبار می کنیم و این مقاصد را باید انجام بدهیم اگر شما با ما مساعدت بکنید این علامت دوستی شما خواهد بود و اگر نکنید آنگاه ما نمیتوانیم نسبت بشما احساسات دوستانه داشته باشیم پس اگر شما با ما يك پیمان اتحادی به بندید که این مقاصد ما را حاصل کند ما در عوض تعهد میکنیم که استقلال و تمامیت خاک شما و حاکمیت شما را رعایت کنیم و محترم بداریم و بلکه اگر مزاحمتی از طرف دولت دیگری هم بشما بشود و تجاوزی بشود ما حاضریم که از شما دفاع کنیم و این زمان هم که جنگ دنیا را گرفته است و اثرات نامطلوبی را برای شما من جمله در امور زندگی و اقتصادی شما خواهد داشت ما تعهد می شویم هر چه از دستمان برمی آید بشما کمک کنیم که کمتر در تحت این تأثیرات واقع شوید و صدمه بخورید و وقتی هم که جنگ تمام شد قوای خودمان را از خاک شما میبریم و تعهد میکنیم که در نتیجه جنگ هم در ارقانی که انجمنهای صلح و انجمنهای بین المللی تشکیل میشود منافع شما را محفوظ بداریم و هیچ اقدامی و هیچ امری که بر خلاف مصلحت شما باشد و برخلاف استقلال شما باشد و برخلاف تمامیت خاک شما باشد ما موافقت نمیکنیم. این را هم ضمناً خود بنده باید عرض کنم که این مساعدتی که میگویند در امور اقتصادی بشما میکنیم تا يك اندازه تا بحال هم کرده اند و این را باید انصاف داد که مثلاً خواربار، گندم قند و شکر يك مقداری که لازم بود رساندند و بعداً هم قول داده اند که بازم برسانند و کمک کنند و اینکه بعضی تصور میکنند که انگلیس ها خواربار و قند و شکر ما را میبرند این صحیح نیست حقاً باید انصاف داد و کسی را نباید متهم کرد. حالا از آن طرف راجع به این اتحاد میگویند لیکن اتحاد شما را مجبور به جنگ هم خواهد کرد و عملیات جنگی خواهد کرد؟ اخیراً از شما شرکت در عملیات جنگی نمیخواهیم ما از شما کمک اشخاصی نمیخواهیم ما هیچگونه توقعی نداریم از اینکه شما برای بخاطر ما فداکاری از حیث اشخاص بکنید جواهرهای خودتان را فدا کنید حتی هیچ توقعی نداریم که تهیه و تدارک

جنگی کنید تا بدرجه که اگر اسلحه یا مهمات زیادی هم داشته باشید ما حاضریم از شما بخریم و ممنون هم میشویم از شما و توقع این را نداریم که با ما کمک جنگی بکنید چه از حیث اسلحه و مهمات و چه نفرات و تحیات شما راحت باشد و در عهد نامه هم ذکر می کنیم که عملیات جنگی برعهده خود ما باشد ما البته قوای لازم داریم و باید هم داشته باشیم اما توقع ما از شما این است که فقط اکتفا کنید باین که امنیت داخلی خودتان را حفظ کنید و شاهد بر این اتحادی که شما با ما میکنید و مجبور نمیکنند شما را که با ما وارد در جنگ بشوید این است که مثلاً دولت ترکیه از اول جنگ با ما متحد بوده است حالا هم که بیست و هفت ماه از جنگ میگذرد دولت ترکیه وارد در جنگ نشده است این هم عرض کردم زبان حال آنها است در علت پیشنهاد عقد اتحاد. دولت ایران بعد از این کارها و مشاوراتی که بعمل آورد مقتضی دید در این باب داخل مذاکره شود و این پیشنهاد را رد نکنند ما هیئت دولت سابق تقریباً از بدو تشکیل تا حالا که تقریباً سه ماه میگذرد مشغول این مذاکرات بوده ایم و البته عقیمت اتحادی مثل يك معامله ایست بین دو نفر که باهم معامله میکنند سعی دارند هر کدام معامله را بمنافع خودشان نزدیکتر کنند باین جهت بوده است که این مذاکرات طول کشیده است و حالا تقریباً تمام شده است و ترتیب را هم اینطور دادیم که وقتی عهد نامه حاضر شد به مجلس شورای ملی بیاوریم و بحث مشاوره و مطالعه مجلس قرار بگیرد و اگر موافقت شد امضاء شود.

این قسمت راجع است به روابط ما با این دو همسایه. اما راجع به همسایه های دیگرمان چندان چیز تازه نداریم که عرض کنم یکی از همسایه های ما دولت عراق است. این دولت هم متأسفانه در نتیجه جنگ گرفتار نشنجان شده است ولیکن این مسئله تأثیری در روابط ما با دولت عراق نداشته است و روابط ما با آن دولت که ما کان دوستانه است. همسایه دیگر ما افغانستان است با دولت افغانستان هم دوستی و یگانگی ما کملاً کان در اعلی درجه است موقع جغرافیائی

اطمینان دادند باینکه این حرف ها را شما منتسب بدولت ترکیه نکنید این یک شخصی است یک نفری است که خیالاتی دارد گاهی اوقات چیزهایی اظهار میکنند که ما از او راضی نیستیم نه تنها نسبت بشما این اظهارات را کرده است نسبت بمقامات دیگر هم حرفهایی زده است که هیچ مناسبت نداشته است و این را معلوم کنید که از ناحیه ما نیست و حتی خیلی هم در نظر ما ناپسند آمد اما روابط ما با دول دیگر یعنی دولی را که غیر از همسایه های خودمان هستند هیچ عرضی ندارم زیرا متأسفانه تقریباً روابط ما با غیر همسایگان مقطوع است راه رفت و آمد نیست با بعضی که رسماً مقطوع شده است و با بعضی هم که رسماً مقطوع نشده است عملاً مقطوع شده است گمان میکنم که سیاست خارجی دولت را کاملاً برای آقایان روشن کردم . حالا دو کلمه از تعبیر مطالب دیگری که آقایان نمایندگان در جلسه گذشته اظهار فرمودند میخواهم عرض بکنم بیانات خیلی مفصل بود و نمیتوانم در آنها وارد شوم و ضرورت هم شاید نباشد . عجزاً مختصراً عرض میکنم مثلاً بیانات آقای نوبخت که خیلی مفصل بود یک مقداری از آنها را که ملاحظه فرمودید حکایت زمان ماضی بود و ربطی به حالا و برنامه دولت نداشت و یک مقداری از آنها هم که ممکن بود راجع بزمان حال باشد لازم است عرض کنم که بسیاری از اظهاراتی که کردند اطلاعاتی که دادند از روی اشتباه بود نمیخواهم بنده یک یک آنها را عرض کنم زیرا خیلی وقت میگذرد نمیخواهم عرایض طولانی شود مثلاً فرمودند میخواهند لباس نظامیان را عوض کنند هیچ همچو چیزی نیست هیچ همچو مذاکره نشده است در صورتیکه فرضاً هم شده باشد چه ضرری بدلیا و آخرت ما وارد میآید که لباس نظامیان ما عوض شود؟ بنده مکرر در عمر خود دیده ام که لباس نظامیان ما عوض شده لباس سربازان ما در زمان ناصرالدین شاه جور دیگری بود و بعد عوض شد و بعداً هم مکرر عوض شد (انوار - یک کلاه را فقط عوض کردند) در هر صورت این مطلب صحت ندارد و همچو چیزی نیست نه در هیئت دولت صحبتی شده است نه در وزارت کشور .

افغانستان قدری بهتر از ما است و باین جهت کمتر از ما گرفتار تاجیک جنگ شده است ولیکن همچو هم نیست که بکلی مصون مانده باشد . در هر صورت امیدواریم که پیش از این باین دولت دوست ما از جنگ صدمه وارد نیاید دولت دیگر همسایه ما دولت ترکیه است آقایان مستحضرنند که بنده شخصاً نسبت به ترکیه علاقه مخصوصی دارم بواسطه این که از بدو تاسیس سیاست جدید ما بین دولت ایران و دولت ترکیه بنده دخیل و واسطه این کار بوده ام . خاطر آقایان مستحضر است که سابق بر این یعنی در زمان دولت عثمانی روابط ایران و عثمانی ترکیه چندانی تعریفی نداشت بسیار اوقات با هم جنگ کرده بودند و اوقاتی هم که با هم جنگ نکرده بودیم و ظاهراً صلح و صفا داشتیم باطناً مهر و محبتی نداشتیم .

خوشبختانه دولت ترکیه جدید سیاستش چه در امور داخلی و چه در امور خارجی بکلی با سیاست دولت عثمانی متفاوت بود و حاضر شد آن دولت بعضی خیالات باطل را که با ما سابقاً داشتند ترك کنند و طرح دوستی و محبت بریزند . در دفعه اول تقریباً چهارده سال قبل که بنده بریاست وزراء مقتدر بودم در آن موقع یک عهد نامه دوستی با دولت ترکیه جدید منعقد کردیم و چنین اتفاق افتاد که بعد از آن بنده مأموریت پیدا کردم در ترکیه و در آن جا سیاست جدید دولت تازه ترکیه را یعنی دولتی را که رئیس او مصطفی کمال آتاترک مرحوم بود برای العین دیدم و معلوم شدم و دولت خودم را معلوم کردم باین که این دولت نسبت بما سوابقی ندارد و صمیمیتی را که اظهار میکنند حقیقت دارد اساس دوستی دولت ترکیه و ایران از آن زمان محکم شده است و ممکن است که آقایان شنیده باشند و ملتفت شده باشند که مثلاً اخیراً در یکی از روزنامه های ترکیه یک شرحی نوشته شده بود نسبت با ایران که چندانی بوی محبتی از آن نمی آمد و آقایان روزنامه نویسی ما هم این مطلب را دیدند و متأثر شدند و اظهار عقیده و کله کردند ولی بنده معلوم نمودم و هیئت دولت ترکیه هم صراحتاً گفتند و

یک چیز دیگر مثلاً فرمودند راجع به عطیه ملوکانه که در تقسیمش تبعیض کرده اند و طهران را ترجیح داده اند بر شهرستانها این هم حقیقت ندارد عطیه ملوکانه که برای مساعادت زندگانی نظامیان داده شده بود بنا بر این گذاشتند که بیك طبقه از نظامیها داده شود یعنی از درجه سرهنگ دومی به پائین که هر کدام بمناسبت اینکه تا کنون بنظامیها یک پاداش ها و حقوق کافی داده نشده است و دست تنگ هستند به آنها کمکی از برای مخارج زمستانشان بکنند و آن طبقه را که معین کرده اند همرا باسویه داده اند و راجع به همه جا این تقسیم را کردند و تبعیضی نشده است . نسبت به کسانی که در قضایای اخیر شهید شده بودند قرار شد بینا ماندگان آنها از این عطیه ملوکانه معادل سه ماه حقوق آنها کم شود برای اینکه فعلاً بفوریت یک افافه در کار آنها بشود علاوه بر آن حقوق هم بموجب مقرراتی که در وزارت جنگ است به این بازماندگان که البته استحقاق این را دارند که دائماً با آنها مساعادت بشود یعنی وظیفه آنها داده شود و فعلاً چون مقرراتی نیست و محلی نیست وزارت جنگ عنقریب یک لایحه به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد که یک ترتیبی اتخاذ بشود که باز ماندگان این شهدا بتوانند وظیفه های را که استحقاق دارند بگیرند (صحیح است) اظهار تأسف فرمودند جماعتی از نظامیان این اوقات بمناسبت سن و مناسبات دیگر باز نشسته شده اند برای این که اینها هم در این عمل باز نشستگی فوراً یک سکنه بزند که ایشان وارد نیاید معادل دو ماه به آنها داده شده (وزیر جنگ - بافسران بازداشت شده نه باز نشسته) بای افسران بازداشت شده . دیگر اظهار تأسف کردند مثل اینکه اعتراض کردند از انحلال اداره بازرسی مالی وزارت جنگ در صورتیکه بعقیده بنده کار خوبی کردند زیرا که امور مالی وزارت جنگ مثل امور مالی سایر وزارتخانه ها در تحت بازرسی وزارت دارائی رفته است (صحیح است) در هر صورت اداره بازرسی دارائی وزارت جنگ چیز بیفائده بود و انحلال او هم مطابق اصول بود و هم مطابق صرفه جوئی از این قبیل بود این که عرض کردم اطلاعات آقای نوبخت کافی بوده و در بسیاری از این موارد برای ایشان اشتباهاتی دست داده است یک کلمه دیگر هم

میخواهم عرض کنم راجع ببعضی از مذاکرات که راجع به مسئله امنیت شد امنیت که خیلی محل توجه همه هست چه باید باشد حتی اینکه اخیراً در روزنامه ها هم چیزهایی نوشته میشود و اظهاراتی میشود مثلاً اینکه بنده و هیئت دولت کاملاً بمعنای امنیت پی برده ایم بنده اطمینان میدهم که ما کاملاً میدانیم که امنیت چیست و چه اقسامی دارد البته بطور کلی میتوان گفت و تعریف جامعی که برای امنیت میتوان کرد این است که در هر کشوری امنیت یعنی این که جریان امور آن کشور بر طبق قانون باشد و قانون در آن جا حاکم باشد و محترم باشد و مجری باشد این فرمول کلی است ولی البته اقسام هم دارد یک قسم امنیت جهانی و مالی مردم است در مقابل دزدان و غارتگران و اشرار یک قسم امنیت قضائی است یعنی اینکه مردم مجبوراً باهم معاملاتی دارند و دادوستد دارند حقوقشان را بتوانند حفظ کنند و معاملت باشند که کسی اگر بحقوق آنها تخطی کرد و خواست حقوق آنها را با مال کند نتواند وسیله داشته باشند از برای اینکه حق خودشان را بگیرند این هم یک قسم از امنیت است . یک قسم امنیت هم امنیت محکومین است در مقابل حاکمان و مقصودم از حاکم فرماندار و استاندار تنها نیست مقصود بنده هر کسی است که حکمش بر دیگران روا باشد مخصوصاً مأمورین دولت که باید مردم از تعدی و اجحاف مأمورین دولت مصون باشند (صحیح است) یک قسم دیگر امنیت را هم (که میدانم توجه فرموده اند) این است که باید حیثیت و شرافت و آبروی مردمان آبرو مند در امان باشد در مقابل اشخاصی که میخواهند تخطی بکنند (صحیح است) البته تمام اقسام این امنیت منظور نظر است و امیدواریم که همه دست بدست هم بدهیم امنیت و بمباره آخری محترم داشتن قانون را در کشور خودمان تأمین کنیم البته مسئله امنیت ارتباط کامل هم پیدا میکند به آزادی در این باب هم در جلسه خصوصی مذاکرات شد و بنده همیشه گفته ام و گمان میکنم کسی هم منکر نباشد که بنده هم آزادی طلب هستم (صحیح است) در آزادی طلبی بزرگ شده ام و افتخار دارم که آزادی طلب باشم و هیچوقت هم آزادی طلبی خود مرا پنهان

نکرده ام حتی در موقعیکه اظهار آزادی طلبی خفایان بود و آقایان مسبوق هستند و مجبور نیستیم توضیحش را بدهم حتی در این باب بر من زحمت و آزد آمد فقط خداوند مرا حفظ کرد بنده آزادی طلب هستم و شخصیت بنده این است که آزادی در دنیا مخصوصاً کشور ما برقرار باشد و لیکن تأسف درم است که توجه کافی نشد به بیابیکه بنده یک شبی کردم و بتوسط رادبو منتشر شد که در آنجا همه این مطالب بطور مختصر و مفید با این که بحال داشتم و نه مجال ذکر کردم همان طور که امنیت در سایه قانون و محترم بودن قانون تأمین میشود آزادی هم در سایه محترم بودن قانون تأمین میشود. در این اوقات میبینیم که در روزنامه ها خیابان صحبت از سانسور میکنند و از این که هیئت دولت لایحه تهیه کرده است که جراید را تحت سانسور در بیارند و به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد بنده مأخذ این اطلاعات را نمیدانم چیست و لیکن بنده اعلامیه می دهم که در این هیئت دولت صحبتی از سانسور پیش نیامده و پیش نخواهد آمد و لایحه هم برای این کار تهیه نشده است نه این است که بنده سانسور را یک نفر بقی میدانم آن طوری که آقایان بنظر شائبه محسوس میکنند. عرض کنم به چه وجه من الوجوه در هیچوقت از اوقات سانسور نباید باشد در جراید این را هم عرض کنم و بنده باک ندارم که این را عرض کنم که سانسور بعضی اوقات در جراید باید باشد در همین موقع در زمانی که همیشه آزادی داشته اند و آزادی در آن جا حکمفرماست الآن سانسور در آنجا برقرار است و در یک وقتی سانسور اگر باشد باید از روی مصلحت و موقت باشد یعنی در یک وقتی باید سانسور کرد که مصالح عالی مملکت بر آزادی زبان و قلم مرجع باشد ولی البته باید موقت باشد امیدوارم که در کشور ما کار با آنجا رسد و آرزو مندوم هیچ میل ندارم که بیائیم در مجلس شورای ملی و تقاضای برقراری سانسور را بکنیم برای اینکه یک اندازه کار بدست کسانی است که از آزادی زبان و آزادی قلم استفاده میکنند بخاطر داشته باشند که زبان و قلم اگر آزاد باشد آن زبان و قلمی باید آزاد باشد که عفت داشته باشد (صحیح است).

بنده البته از بیانات و تذکرات آقایان مستفیض میشوم و عاجلاً عریض خودم را خاتمه میدهم و همینقدر یادآوری میکنم که این هیئت دولت بازده روز است به مجلس شورای ملی معرفی شده اند و این هم روز دومی است که در بر نامه او مذاکره میشود و خیلی مقتضی است و مصلحت است که آقایان البته صحبت های خودشان را بکنند اما در این جلسه تکلیف هیئت دولت را از رد یا قبول معلوم بفرمایند زیرا تا وقتی که تکلیف بر نامه معین نشده است هیئت دولت تا اندازه تکلیفش نامعلوم است. رئیس - آقای نقابت. نقابت - البته فلسفه اینست که هیئت محترم دولت یکی هنگام طرح برنامه و یکی هم در موقع طرح بودجه در مجلس حاضر میشوند من جمله این است که آقایان وزیران هر کدام نسبت به تذکرات نمایندگان در اموری که مربوط به وزارتخانه خودشان است و تخصص در آن قسمت دارند جوابهای مقتضی بیان کنند زیرا ممکن است که آن نماینده در اشتباه باشد و اطلاعات کافی نداشته باشد و در سایه این محاوره هم برای آن نماینده و هم برای سایرین رفع شبهه بشود و بالاخره از مجموع این صحبت ها زمینه وحدت سلایقه بستیم جناب آقای نخست وزیر ایجاد خواهد شد و نمایندگان هم از صمیم خاطر آن ورقه سفید رخشنده که آقای انوار تذکر دادند خواهند داد و از آن بر گهای سفید سفید روزی مملکت را امیدوار هستند. تذکری که بنده دارم چون خدمات بنده همیشه در امور قضائی بوده است مطلقاً راجع به امور قضائی است و امنیت قضائی بنا بر این روی سخن بنده با آقای وزیر دادگستری است و یک مقدمه ای هم دارم. البته برطبق قانون اساسی کشور ایران دارای ارکان ثلاثه مشروطیت است قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضائیه. قوه قضائیه از قوه مقننه فرمان برداری میکند ولی به قوه مجریه فرمان روائی میکند و بهمین جهت است که قوه مجریه که قدرت در دست آنها جمع میشود دفع حوائج دو قوه دیگر هم با آنها سپرده شده است هر گاه از اشخاصی تشکیل شود که خدای نکرده کمی آزاد بخوان باشند کمی اعتنا به قوانین و مقررات نداشته باشند

کار یک صورتی پیدا میکند که عنوان تهاقت پیش میآید و نسبت به دو قوه دیگر بی اعتنا میشوند و دخالت در امر دو قوه دیگر میکنند و یک مسائل جزئی از قبیل عدم استحقاق فلان نماینده برای وکالت مجلس شورای ملی یا طول مذاکرات در جلسات پارلمانی یا عدم استحقاق قضات و چه و چه از مجموع این حرفها استفاده عدم رشد ملی میکنند و بالاخره قوه مجریه اینطور نتیجه میگیرد که یک ملتی غیر رشید است و من بنام قیوم بر آن ملت غیر رشید باید قیومت کنم این طرز فکر که قوت گرفت دخالتها شروع میشود و فضاختها بروز میکنند باین معنی که اول در نتیجه بد بودن اوضاع اقتصادی در نتیجه بد بودن اوضاع قضائی چرخهای اقتصادی زبک میزند زیرا که سرمایه و پول خوب گردش نمیکند مردم نمایندگان واعتمادی پیدا میکنند بر گردش سرمایه خودشان از طرفی نمایندگان مجلس شورای ملی می بینند که بوسیله دخالت دولت در انتخابات آنها حیثت انتخابیشان مورد تهدید واقع میشود و سلب مصونیت حبس و زجر و آزارهایی را که بچشم دیده ایم قدرت استقلال را در مجلس کم میکنند و بهمین جهت در مقابل مسائلی که در مجلس مطرح میشود باین اصول مسالمت آمیز و مدارا میگذرد و بالاخره از این دو قوه مقننه و قوه قضائیه جز نام و نشان چیزی باقی نمی ماند ولی وقتیکه باین علل داخلی یا خارجی قوای مجریه رو به ضعف میگذارد احساسات ملت بنام آزادی جلوه میکند و آن اشخصیکه ساکت مانده اند سر از زیر سرپوش بیچارگی در میآورند و شروع میکنند به سؤال کردن و بازخواست کردن از قوای ثلاثه مشروطیت فریاد جرائد بلند میشود البته جرائد یک آئینه ایست که افکار مردم در آنجا منعکس میشود و او بسنده بفکر خودش بسلیقه خودش و بر حسب تربیت و بر حسب طرز تشخیص خودش مسائلی را می نویسد و لازم نیست همه آن مسائل راست باشد و صحیح باشد ولی شلوغ کند خوانندگان بایستی از مجموع آن اوراق استفاده نکنند یکی از حبس ها از زجر ها از زندان ها از توقیف املاک از فشار مالیات از نا امنی از چه و چه مقالاتی منتشر میشود

در این موقع قوه مجریه در مقام تبرئه خود بر میآید و همچنین قوه قضائیه قاضی حقیقت امر را بر مردم میپوشاند و نمیگوید که تحت امر وزیر واقع شده ام میگوید قانون سخت است این ها قوانینی است که از مجلس شورای ملی گذشته است ما هم چاره نداریم و باید اجرا کنیم دولت هم بعنوان اینکه ما قوه مجریه هستیم و ما نظر نمایندگان را اجرا می کنیم باز هم تقصیر را متوجه نمایندگان میکنند و در این مواقع آن دو قوه دیگر احساسات ملت را به مجلس سوق میدهند و این است که به روزنامه ها که مراجعه میکنند از صفحه اول تا آخر یک مشت حملات شدید نسبت به نمایندگان کرده میشود ولی بنده بتمام آن افکار و تمام آن ترشخات یک ارزش معنوی میدهم و همه آنها را بجای خود مفید میدانم زیرا جراید مرآت افکار مردم است و بایستی از مجموع آنها استفاده کرد. امروز حالا کار نداریم تقصیر با هر کس هست از گذشته بگذریم اقتضایش این است که هر سه قوه مقننه و قضائیه و مجریه باین مناسبت و بردباری با یک علاقه مندی کاملی که مقتضی مردان وطن برست است دست بدست هم بدهند و این گرفتاری و بد بختی که در کشور ما هست رفع کنند بعقیده بنده بمصدق کل حزب بما لند بهم فر خون و چون اعتقاد این است که اگر قوه قضائیه کشور فوق العاده متین و استوار و مقتدر تهیه بشود یک مقدار زیادی از بد بختی های ما کاسته میشود زیرا هر کسیکه در هر فشاری واقع شد در تمام طبقات به قوه قضائیه متمسک میشود مرجع و ملجأ و پناه مردم قوه قضائیه است و نباید به این قوه حمله کرد و از اهمیت آن کاست. متأسفانه حملاتی شده است به قوه قضائیه که از زمانهای سابق شروع شده و امروز هم ادامه دارد و امری هم نیست که محتاج یک اصلاحات طولانی و مفصلی باشد زمان مفصلی هم نمیخواهد خیلی زود و سریع میشود اصلاح کرد و بنده بنام یاد آوری و اظهار آن علاقمندی این تذکرات را عرض میکنم. از آن جمله ایجاد داد گناه های اختصاصی است در امور حقوقی البته در تمام ملل راقیه داد گاهلی اختصاصی هست مثلاً داد گاه دادرسی آرتش است و از چیزهای

خیلی لازم است و در تمام دنیا هم هست ولی در امور حقوقی هیچوقت دادگاه اختصاصی ایجاد نمیکنند بدلیل این که موجب ضعف قوه قضائیه خواهد شد مثلاً دیوان محاکمات مالیه با اصلاح امروز دیوان دادرسی دارائی در ۱۳۰۹ آبان ۱۳۰۹ شروع شد و بموجب آن قانون در ماده ۴ این عبارت صلاحیت آنها را ایجاد کرد که (کتابه دعاوی دولت بر اشخاص و دعای اشخاص بر دولت نسبت با اموال غیر منقول و حقوق متعلقه بآن و دعاوی ناشیه از اعمال حاکمیت دولت نسبت با اموال منقول و همچنین دعاوی منقول ناشیه از اعمال تصدی که منشأ تولید آن قبل از ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ باشد و نیز دعاوی بانك ایران بر اشخاص و دعاوی اشخاص بر بانك بر جمیع محاکمات مالیه قلمع و فصل خواهد شد در سایر موارد مرجع رسیدگی عنایکم عدلیه است) و بموجب ماده ۸ مقرر شد که يك آئين نامه از طرف هیئت وزیران برای طرز رسیدگی در این دادگاهها تنظیم شود و با این ترتیب در حدود دو بیست هزار شماره کار و در حدود چند میلیارد مدعی به مردم بدیوان محاکمات مالیه مراجعه شد و از تحت سلطه و قدرت قوه قضائیه خارج شد و هیچ منطقی نداشت و فقط چون خود بنده هم در همین دیوان برائتی نداشت روز وارد شدم و بعد بر خوردم که هیچ پایه رساله نداشت و تأمین ندارد با وزیر وقت مذاکره کردم ایشان گفتند که تمام عقلائی قوم پذیرفته اند و دلیلش هم این است که اگر حکمی از این دادگاه صادر شد اگر بموقع اجرا گذارده نشود عملی بر خلاف قانون اساسی نکرده ایم تصمیم دادگاه اختصاصی است که اجرا نکرده ایم اما اگر از دادگاه قضائی و دادگستری صادر شده و قوه قضائیه به ما داد و ما اجرا نکرده ایم بر خلاف قانون اساسی رفتار شده بنده چون موامی دیدم از آن استخدا صاف نظر کردم و بر کستم بخدمات قضائی قبلیم عرض کنم که تصویب نامه يك نظامنامه مقرر شد وضع شود در هیئت دولت برای کیفیت تشکیل و طرز رسیدگی به بینید این اختیار هیئت دولت محدود است به تشکیل و طرز رسیدگی اما اختیار داده شد به هیئت دولت که نظامانی وضع کند که مقررات

قانون مدنی را در هم بشکنند و متضراتی وضع کند که اصول کلی قضائی را پایمال کند تصویب نامه هائی که صادر شد تمام بهمین ترتیب است و بنده بطور مثال عرض میکنم تصویب نامه صادر شد در هشتم مرداد ۱۳۱۱ که (دفاتر بانك بر علیه تاجر و غیر تاجر دلیل رسمی و قاطع است) این برخلاف قانون تجارت است برخلاف ماده ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ قانون مدنی است و برخلاف ماده ۱۹۸ آئين دادرسی مدنی است و برخلاف تمام این قوانین تصویب نامه صادر شد یعنی قوه مجریه خود را قائم مقام قوه مقننه کرد و وضع قانون کرد آهیم در چه مورد؟ در مورد دعاوی بانك ایران در فصل نهم از عهد نامه ایران با دولت جماهیر شوروی مصوب ۲۳ قوس ۱۳۰۰ این ~~مصوبه~~ شده (دولت شوروی روسیه نظر با اعلان نفی سیاست مستعمرانی سرمایه داری که باعث بدبختیها و خون ریزیهای بی شمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بود صرف نظر می نماید بنا بر این دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانك استقراضی ایران را و همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانك مزبور را در خاک ایران به ملکیت کامل ملت ایران واگذار مینماید) و بموجب سر بیخ این ماده دولت ایران تصدیق کرد که بخش این وجوه بین طبقات مختلفه مردم ایران فقط بمنظور سیاسی شومی بوده و روی نظر های خاصی داده شده است ولی بموجب تصویب نامه يك چنین دفاتری رسمی و قاطع و غیر قابل اعتراض تلقی شد بر علیه نوه ها و نواده های مردم و هنوز هم آن دعاوی در جریان است (صحیح است - احسنت) اگر مقداری از نظر اقتصادی دولت و يك جنبه اقتصادی را دیده است بالاخره هم حساب عدد میکنند از نظر اقتصادی حساب بفرمائید مجموع درآمدی که از این دعاوی در آوردند و مجموع خرجی که برای این اداره و دادگاه و برای این و کلا کردند حساب کنید تازه يك مقدار زیادی دولت از بودجه خودش خرج کرده و يك جماعتی ناراضی و مخالف با قوای مشروطیت درست کرده است

دیگر از کارهائی که کرده اند و در همین هیئت تصویب شد که پول های بدهی بانك ایران باشخصی پرداخته شود تا وصول مطالبات از اشخاص بشود بنا بر این هر کس طلبکار بود مایوس از وصول شد اسناد مطالباتی را تومانی دو ریال سه ریال فروختند یکی از وزراء هم مأمور جمع آوری و خریداری این اسناد شد و اینها را جمع آوری کردند بنام شاه مستعفی و بعد املاک سه سالار و بسیاری املاک دیگر مازندران که امروز مطرح مذاکره است بعنوان بدهی بانك به قیمت تومانی چهار قران بدست آوردند و آن اسناد که تومانی دو ریال سه ریال خریده بودند با فرع آن حساب کردند و يك تصویب نامه صادر کردند که بانك قروض خودش را بپردازد الوقت آن قروض را با فرع تومانی يك تومان حساب کردند این املاک را در مقابل آن بر گذار کردند این خدمتی بود که بانك با این دفاتر رسمی در موضوعیتش برای اعمال يك سیاستی اجرا کرد البته یکمده هم از این جریانات سوء استفاده کردند و بالاخره این حرفها زدن اینجا مورد ندارد بالاخره وقتی که بر خوردند بمشکلات قضائی در همین دیوان دادرسی باز تصویب نامه ۱۳۱۱ صادر شد با این عبارت هر گاه مدعی علیه ادعا کند (توجه بفرمائید اینها يك مسائلی است که شاید آقایان نمایندگان خیال کنند که من اختراع کرده ام برای کسانی که وارد بوده اند) هر گاه مدعی علیه ادعا کند که مورث او تر که داشته یاز که بیش از دیوانی که تأدییه شده بوده یا مدخله در آن که نموده باید مدعی علیه ادعایش را ثابت بکند ملاحظه فرمائید اصل البینه علی المدعی اصل برائت انتقال دارائی با قرض و خیلی اصول دیگر و همینطور مقررات قانون مدنی و سایر مقررات قانونی زیر پا گذاشته شد و هیچکس نیست باین مردم بگوید که آقایان مجلس این کار را نکرد این ها با تصویب نامه گذشت برخلاف اختیارات بود پس امروز دیگر چرا باقی است حالا دیگر چرا امیرو دینی کارش مگر این ها هم وقت میخواهد زمان میخواهد الغاء این تصویب نامه در جلسه همین امشب هم ممکن است بنده خیلی راه دور نمیروم که چه زحماتی برای مردم ایجاد کردند و چه طور توی سر ما زدند يك مثال از خود

مجلس شورای ملی دارم و آن شخص رئیس مجلس است آقای رئیس مجلس در بیست و پیش سال پیش از یک نفر معرفی کرده بودند و آن شخص هم باغ شمیران و املاکش را در اختیار بانك گذاشته بود پس از بیست و دو سال سهل انگاری بانك بیست و هفت هزار تومان از رئیس مجلس مطالبه کرده با زحمات زیادی که کشیده شد و در جلساتی که بنده و آقای همراز و کیل بانك هم بودیم بالاخره قرار شد که پانزده هزار تومان از بابت اصل ایشان بدهند و باقی صرف نظر شود و ایشان که امروز در خانه اجاره منزل دارند از حقوق مجلسشان دارند میپردازند وقتی این رفتار با رئیس مجلس شورای ملی بشود حالا به بینید که با سایر مردم چه رفتاری میکنند با فقرای بیچاره چه میکردند خانه های مردم را توقیف میکنند و مال و اموالشان را میبرند و يك بیچارگی برای مردم ایجاد میکنند برای وصول مطالبات دولت و میگویند آخر دولت که نمیتواند از مطالباتش بگذرد بانك است دفاترش رسمی است عامل شوم سیاست خارجی را مگر ما میتوانیم ولش کنیم و از مردم بگیریم اخیراً؟ این هم مقرراتی است که فعلاً جاری است هیچ زمان هم لازم ندارد در يك آن قابل اصلاح است در همین دیوان دادرسی شروع شد در مورد املاک ثبتی دولت یا سعه به ثبت دولت اعتراض کنند و دولت هم بنا بر احوط به ثبت مردم اعتراض میکنند که چرا فلانی ثبت داد اعتراض نکرده برسم علی الحساب اعتراض میکنند بالاخره قرار بود بحکمیت قطع و فصل شود بعد از آنکه دیدند آخر حکم ها هم دارائی وجدانی هستند گاهی دخالت میکنند درین کارها حق را بحق دار میدهند آمدند و بهم زدند قانون حکمیت را سنگینند در دادگاه رجوع شود چرا بهم خورد برای اینکه شخص آقای فروغی در يك قضیه حکم بودند و ضرر دولت رأی دادند و رأی ایشان اجرا نشد و باز هم شاهد دارم گفتند خود دادگاه رسیدگی بکنند باز اصول را بهم زدند در همین دادگاه با همان تصویب نامه و با همین ترتیب شروع بر رسیدگی دعاوی و حقوق مردم شد این است که مردم داد میزنند عده که اشخاص میدهند مرتضی

باقی باشید یعنی پس از پیشنهاد باعتبار خود باقی باشد نه اینکه تا وقتی که نداده اند این صورت مجلس کمیسیون داد گستری است و این مذاکرات و کلاست پس این قانون محدود به مدت شش ماه امسال دوازده سال است در جویان است و از تمام متخصصین دنیا هم که هر کس اگر دسترسی داشته باشد و سؤال کند بر بطلان این بر شدت وحدت آیین بر اعمال نظر خصوصی این و بر اعمال اغراض شخصی این شهادت میدهد و معذک دوازده سال است که وعده داده شده است که امروز میآوریم فردا میآوریم این قانون هنوز هست و این دستگاه هنوز هست یکی دوتا از عیوش را هم بنده بگویم و عبور کنیم به موجب قانون دیوان کیفر مدعی العموم دیوان جزا حق دارد هر کس را از هر طبقه که هست در هر نقطه مملکت که اقامت دارد بصر فطن و گمان خودش تا تکرّاف کند و او را توقیف کند از این قرار توقیف هم بهیچکس نمیشود شکایت کرد و بهیچ جا نمیشود استیناف داد مگر یوزیر داد گستری آن وزیر که بر خلاف حق این قانون را وضع کرد آن وزیر که بدون اجازه مدعی العموم اقدام میکند بنابراین آن مرجع عرض حال و این هم مرجع استیناف و این هم اختیار در این صورت باز هم دم از امنیت قضائی بزنیم! بنابراین کسی هست که در خانه خودش بخوابد و مصون باشد از قرار توقیف دیوان جزا هیچکس؟ بنا بر این این مقررات شش ماهه دوازده سال است در جریان است و هیچ جواب منطقی ندان شکستی ندارد کسی به بنده بنده و وقتی که پرونده تکمیل شد سه سال در جریان تحقیقات بیچاره متهم دچار اشتباه که فلان هم امور فلان استناد فلان والی برای حفظ موقعیت خودش یک جماعتی را متهم میکنند و جای چرخ دیوان جزا میدهد بعد از همه این تحقیقات آنوقت پرونده میرود به محکمه اظهار میکنند که سه روزه پرونده را بخوان اگر اعتراض داری بگو پرونده هم هزار برک که قابل مطالعه نیست بالاخره جریان هم قوی و هم سریع است مثل ماشین خود کار دادگاه تشکیل میشود در کلامه مبادلات گفتار شخصی از طرفین و بدون جهت حکم ده

سال حبس حکم انفصال از خدمت بنده نمیگویم مقصر را نباید مجازات کرد اما این مطلب مورد اتفاق فلاسفه و حکما است که خطر محکوم شدن اشخاص بی تقصیر برای مملکت بیشتر است از خطر تهرئه شدن اشخاص مقصر (صحیح است) بنده خیلی سعی کردم که یک کلامه را بگویم ولی خوب علی الله میگویم و آن این است که یکی از رؤسای همین محاکم یکی از محکومین خودش میگفت که شما غصه نخورید ما مجبور بودیم برای اینکه یک مستنطقی که با یک متهمی درستی کرده ولی حقیقت چیز دیگری بوده ده سال حبس نوشتیم آن محکوم به آن قاضی گفت که شما اگر مجبور بودید که محکوم کنید عدده سال حبس را که وزیر برای شما معین نکرده بود دلیلش هم این است که حکم شما در دیوان تمیز شکسته شد برای اینکه وزیر نظری در این کار نداشت ولی البته دیگر این قاضی جوابی نداشت بنده زیرا شخصیت پیدا کرده بود با قوه مجریه و این شدت عمل و سختی را موجب ترقی و ترفیع خود میدانست اینها چیزهایی است که امنیت قضائی یک کشوری را بجز محدودار میکنند بالاخره در نتیجه این محکومیتها و این رسیدگیها به این پروندهها اشخاص ناراضی تهیه میکنند یکی که از توقیف بیرون میآید یاغی میشود یکی محاکمه تنهایی بین خودش و مردم میکنند آنچنان محاکماتی که ویکتور هوگو در کتاب خودش مینویسد بالاخره باید بگذرد مردم را استمالت کرد و این جراحات بیچاره مردم را درمان کرد اگر تمام کودکان همگین را از پیش پای مردم بر نمی دارید استدعا میکنم لا اقل بیابید بالای هر کدام یک چراغ خطری نصب کنید دیگر گفته نشود که ما امنیت قضائی داریم و داد گستری بمعنای حقیقی داریم (صحیح است - احسن است) در همین دیوان جزا وقتی مدیر کل های وزارت راه را محاکمه میکردند یکی از وکلا گویا آقای آقا شیخ رضای ملکی شرحی از مظالم شهر بانی نقل کرده بود که چه بلاهائی سر اینها آورده بودند البته گفت که هو کل من میگویی اینطور آنوقت این اظهار او تأثیر خوب که نه بخشید بجای خودش

بلکه ممنوع الو کاله هم شد بجای مدت پنج سال بالاخره قانون و کالت را هم عوض کردند در بیستم شهریور ۱۳۱۴ قانون و کالت نوی همین مجلس در وزارت آفای صدر تصویب شد قبل از این محاکمه دیوان جزا که در بهمن ۱۳۱۴ بود در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ قانون و کالت یعنی یکسال بعد عوض شد و کیل عدلیه که ارزش قاضی دارد و بایستی قدرت داشته باشند بر علیه وزیر و کیل و قاضی اقامه دعوی بکنند اینها را بردند بیگانه انتظامی و سپردند بدادگاه انتظامی و صلاحیت دادند باین دادگاههای انتظامی و قضات را هم خارج کردند و بالاخره قانون و کالت را که مرکز پرورش مردان شایسته در تمام دنیا است دستخوش هوی و هوس قرار دادند و این افکار و این تشکیلات امروز هم هست و باین دستگاهها که ما داریم دستگاههای آدم سازی را یکی بعد از دیگری خراب میکنیم (صحیح است) باید بگذرد توجه کرد و این موضوعات را اصلاح کرد یک جمله دیگری هم قوه مجریه به قوه قضائی کرد است و آن عدم دقت در تشکیلات قوه قضائیه است البته وزارت داد گستری مثل ناخدائی که سکان کشتی را در دست دارد کشتی عدالت یک نسلکشی را هدایت میکند اگر بنا شود هر ساعت از پشت آن دستگاه خارج شود باز آن دیده بانی باز میماند و آن کشتی عدالت بسنگت میخورد بنا بر این این دستگاه را باید اصلاح کرد هر قاضی راهنمایش کتاب قانون است قانون مدنی قانون اصول محاکمات آنوقت شرا علی دارد این قاضی باید تحصیلاتی داشته باشد این قاضی باید پانزده سال معلومات حقوقی بهینند آنوقت فقیه باشد و اصول را دیده باشند و آنوقت تمام مطالب را باید در تحت نظر بگیرد باید مستقل فکر باشند نه اینکه به هر قاضی کارهای حساس داده شود که تا فلان کار را از او بپرسند بگو بد آقا فردا از وزیر بپرسیم میآیم جواب میدهم آقا این جریانات باید از بین برود (صحیح است) نکته دیگری که هست این است که کارهای خیلی مهم و مؤثر که تماس با مال و جان و نوامیس و اعراض مردم دارد غالباً با اشخاصی سپرده میشود که آن ارزش را ندارند حالا تصور نشود که نظری دارم خدا گواه است نظری ندارم مثلاً

را میدانند که مریض ناله میکند دوازده نفر طبیب حاذقی که امروز بنام دولت برای باسماان کردن جراحات مردم دعوت شده اند امروز حقیقه توجه کنید ماهم وظیفه دار هستیم ولو هر عنوانی از عنوانی که باشد باید تذکر بدهیم (آفرین) حالا چه عیبی دارد که یک همچو دیوانی یا یک قانون بدی غلطی یا یک همچو رویه برخلاف قوانین حقوق امروز منحل شود و آن دعوی هم چنانچه سابق بود بعد از مراجعه شود و این کابینه و لاسیون در وزارت مالیه ملغی شود اگر واقعاً منطبق دولت در حفظ این دادگاه این است که این دادگاه اطلاعات فنی لازم دارد در امور دولتی ب آنکه از قضات داد گستری برای همین کار بدهیم که عاریه میگردند به علاوه یک قسمتی از دعوی دولت را ما بدهیم بداد گستری مراجعه میشود باز هم منطبق را قابل قبول تشخیص نمیدهند بنا بر این بنده در خراسان میگویم بدون هیچ معطلی و بدون اینکه هیچ ضرری برای کشور داشته باشد این دادگاه را منحل کنید و این دعوی را به مراجع صلاحیت دار خودش ارجاع کنید و یک جمله دیگر هم به قوه قضائیه شده است که به طور اختصار ذکر میکنم و آن ایجاد دیوان جزای عمال دولت است این فکر در دوم تیر ماه ۱۳۰۷ بد شروع شد و بموجب یک ماده واحده ۳۰ آبان ۱۳۰۸ اجازه داده شد که وزیر داد گستری وقت موادی را جمع بطرز تشکیل و صلاحیت داد گستری تهیه کند و در ظرف شش ماه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند اعتبار این هم محدود بشش ماه بود البته یک جمله هم در دنبال این ماده هست و آن این است که تلمو قومی که از طرف مجلس تعیین تکلیف شده آن مواد باعتبار خود باقی است در آن موقع صورت مجلس کمیسیون داد گستری حاضر است نمایندگان میگفتند ما وکیلیم و حق توکیل غیر را نداریم و حق قانون گذاری خودمان را به غیر نمیدهم در آنجا وعده دادند که خیر ما فقط تا شش ماه از لحاظ کاری که داریم و حوائجی که داریم تهیه میکنیم و چون وقتی که این قانون بمجلس داده شد و آنوقت با شور در کمیسیونها و مذاکرات طول میکشد و این دستگاه بلا تکلیف میماند بنا بر این تا وقتی که در جریان شور واقع شده باعتبار خودش

پست مدعی العموم بدایت طهران پست مدعی العموم استیفاء ماه آن و اینطور پست ها که در قانون برای آن رتبه نه قائل شده اند برای اینست که نه سه سال بیست و هفت سال ارزش دارد که کسی رتبه نه پیدا کند در سن قضائی از بیست و پنج سالگی که شروع کرد بیست و پنج سال و بیست و هفت سال میشود پنجاه و دو سال پس پنجاه و دو سال وقت لازم دارد که يك کسی بمقام شایع مدعی العموم بدایت طهران برسد و نماینده ثابت یکی از ارکان مشروطیت ایران باشد و وقتی که آن جبهه سرخ با آن اینطور طلائیه رتبه ۹ را در بر میکند زندان و شهر بانی و هر کس در مقابل او تعظیم میکند که این نماینده رکن سوم مشروطیت است این نماینده دولت است این نماینده محبت و شاه فلان الله است بالاخره باید از نظر رتبه و سن و شخصیت و حسن تدبیر همه باو بنظر احترام نگاه کنند چرا مثل آقای عبده رئیس محکمه انتظامی را ما مدعی العمومی طهران بر نمی گیریم که اگر رئیس شهر بانی تلفن کرد بگوید فضولی موقوف همیشه باید انتخابات از اشخاص متمین و روشن و صالح و محترم و با خانواده مؤثر در پست های خودشان بشینند و قواری بدست بگیرند ما نمیکوئیم اینها بیکار باشند البته اینها تحصیلاتی کیده اند تربیتی دارند اینها هم در پست های غیر مؤثر باشند ولی پستهای حساس را بدست کسانی سپارند که زندگانی خودشان را از هوای افس دور کرده باشند این است مصداق وصف عادل که در لغت میگوئیم عادل کسی است که از هوای افس دور شده باشد حال اگر ما بطور کلی امی گوئیم بمقدار جزئی که میتوانیم انجام بدهیم این يك تذکرانی بود عرض کردم البته بنده شاید کوچکتر باشم از برای این بیانات ولی البته آقایان توجه دارند باین مضمون که انظر الی ما قال ولا تنظر الی من قال این يك دستور است .

مرد باید که گیرد اندر گوش و نوشته است بند بر دیوار (صحیح است - احسن - آفرین).

وزیر دارائی - در قسمت دیوان دارائی نماینده محترم يك فرمایشانی فرمودند که بنده لازم دانستم چند کلمه توضیح

عرض کنم خاطر آقایان مسبوق است که از بدو تشکیلات وزارت دارائی یعنی درسی سال قبل از زمانی که مرئوس در ایران بود این دیوان وجود داشته است و فلسفه آنهم مربوط بیک اصلی است که در قانون اساسی نوشته شده و آن موضوع تفکیک قوای ثلاثه است قوه اجرائیه قوه قضائیه قوه مقننه چون اعمال حاکمیت دولت همیشه در يك مرجعی رسیدگی میشود که تابع قوه قضائیه باشد از این جهت يك دیوان دارائی درست کرده اند که تابع خود قوه مجریه باشد و این ترتیب در تمام ممالکی که قانون اساسی آن مطابق قانون اساسی ایران است وجود دارد و منظور هم بیشتر برای حفظ حقوق افراد است که يك موجبانی دارد و باید باشد که پابند نظامات و تشریفات قضائی نباشد و بتواند بیشتر احقاق حق مردم را بکنند حالا اگر در عمل بد اجرا شده البته رسیدگی نمیشود و در ظرف این مدت هم بنده هر وقت بشکایتی برخورد ام شخصاً رسیدگی کرده ام و جلوگیری نموده ام که حق کسی ضایع نشود يك دستگامی هم در وزارت دارائی است برای اینکه اشخاص اگر شکایتی دارند با آنجا مراجعه کنند و رسیدگی بشود در اینصورت گمان نمیکند اشکالی باشد و ما هم در نظر داریم در آئین نامه های آن تجدید نظر بشود که کاملاً منظوری که از تشکیل این دادگاه بوده است تأمین شود .

موضوع دیگری که فرمودند راجع به امر بانك ایران بود البته آقایان مستحضرنند که این بانك استقراضی سابق روس بود که بدولت ایران با تمام دعاوی و دیونش بدولت ایران منتقل شد و هیچوقت هم قانونی وضع نشده است که دولت از این تاریخ از وصول آن مطالبات صرف نظر کند و البته تا وقتی که وضعیت بصورت امروز باقی است وزارت دارائی وظیفه اش این است آن وجوه را که مردم مدیون هستند دریافت کند ولی البته بنده هم تصور میکنم که راجع بمطالبات گذشته و نقل و انتقالاتی که در آن حاصل شده لازم است يك تجدید نظری شود و از وقتی هم که بنده متصدی وزارت دارائی شده ام این مطلب را تحت نظر گرفته ام و شاید تا

دو سه هفته دیگر يك لایحه قانونی برای اصلاح این موضوع بمجلس تقدیم بشود و آقایان نمایندگن در آن موقع فرصت خواهند داشت که نظر بانشان را هر طور صلاح است اظهار نمایند و در صورتیکه معلوم شود وصول این مطالبات موردی ندارد البته صرف نظر خواهد شد ولی تا آن موقع البته باید هر مطالباتی که هست مطالبه شود منتها اگر در ضمن عمل يك فشار بیموردی باشخص وارد آمد و یا تقاضاهای نامشروعی شد البته شکایت میکنند و به شکایتشان هم رسیدگی خواهد شد

وزیر دادگستری - بنده میخواستم جواب فرمایشات آقایان نمایندگان محترم را که راجع بوزارت دادگستری تذکر دادند بگذارم برای آخر جلسه که پس از اتمام مذاکرات واستماع تذکرات آقایان یکجا جواب عرض کنم ولی برای اینکه وقت زیاد باقی نمانده و تصور میکنم عریضی که میکنم جواب مطالب آقایانی هم که بعداً اظهاراتی شاید داشته باشند خواهد داد این است مختصراً عرض میکنم که تصدیق وقت هم نشده باشد اگر چه تذکراتی که امروز آقایان نقابت دادند اقتضایمیکرد که بنده هم مشروح تر و مفصلاً جواب فرمایشات ایشان را بدهم ولی چون وقت تنگ است به اختصار میکوشم و حاضر هستم که ایشان بعد تشریف بیساورند و جواب فرمایشاتشان را حضوراً و شخصاً بدهم وقایع بشوند بدانند که قسمت عمده که ایشان تذکر دادند این طور نیست که ایشان تصور فرموده اند هر مطلبی و هر موضوعی دلائلی دارد که البته در موقع برنامه و مذاکرات راجع به بودجه قضایی تذکرات داده میشود ولی اظهار قسمتی از مطالب هم احتیاج بیک مطالعه بیشتری دارد و جواب آن هم بلیستنی با يك مطالعات بیشتری داده شود چنانچه در تذکراتی که آقایان نقابت دادند چه راجع به بانك چه راجع به دیوان دادرسی مالیه و چه راجع به دادگستری بایستی با ارقام و با يك مطالعات بیشتری به ایشان جواب داده شود که حالا متأسفانه وقت تنگ است و موقع آن نیست باین جهت بنده بر میگردم به جلسه گذشته و بعضی آقایان نمایندگان راجع باملاک و اگذاری و تذکراتی که

دادند و اظهار تعجب کردند از اینکه چرا این املاک زودتر واگذار نمیشود و چرا آن لایحه پیشنهاد شده و این ممکن است اسباب زحمت بیشتری برای مردم بشود این تذکرات از طرف بعضی افراد مالکین و از طرف بعضی از اشخاصی که در این قسمت ذی نفع بودند چه ناسرگافا و چه کتابوزارت دادگستری داده شده بود و جواب را هم بنده داده بودم حتی در کمیسیون هم که در چند روز قبل با حضور عمده از آقایان نمایندگان مازندران در همین جانشکیل شده بنده عرض کردم سابقاً هم در جلسه علنی مجلس شورای ملی عرض کردم که موضوع واگذاری املاک و استرداد املاک بصاحبانش بدون باشد رسیدگی دقیق صحیح نیست و منطوق ندارد و غیر ممکن است و میخواهم عرض کنم که بعضی ها مقصودی دارند آقایان نمایندگان هم خودشان متوجه آن مطالب هستند که نباید آب گل آلود بشود و در نتیجه حق به من له الحق برسد (صحیح است) باید کاری کرد که واقعا احقاق حق بشود و املاک بصاحبان حقیقی آنها برسد و بنده هم از اول همین نظر را داشتم و آن لایحه هم که تهیه شد روی همین نظر بود و عرض هم کردم که نباید شتاب کرد تا با مطالعات بیشتری لایحه تهیه شود و این فرصتی که در این فاصله پیدا شد به بنده مجال داد که مطالعات بیشتری بشود تا احقاق حق مردم نسبت باملاکشان بعمل آید دولت هم غیر از این نظری ندارد وزارت دادگستری هم کاملاً متوجه این معنی بود و کوشش داشته و دارد که این منظور بوجه احسن عملی شود از همین لحاظ پس از دقت در تشکیلات و تمام اظهارات راجع باین مطلب لایحه جدیدی در این چند روزه بنده تهیه کرده ام که منتظر بودم مذاکرات راجع به برنامه تمام شود و آنوقت تقدیم مجلس کنم و آن لایحه قبلی پس گرفته شود . در لایحه جدید که تقدیم خواهد شد يك تغییرات اساسی داده شده است بطوری که بعد ملاحظه خواهند فرمود که شاید دو نکت از شکایاتی که اشخاص دارند بطرز سهلی حل شود و رفع نگرانی هم از مالکین و هم آقایان نمایندگان از این حیث بشود تصور میکنم دولت مستعدت کافی در باره اینها کرده است و بنده هم آنقدر که ممکن

بوده است که بشود ام که بتوانم رفع نگرانی مردم را از این حیث بکنم و حق را آن طور که باید بنی حق برسانم ضمناً راجع باینکه در این زمینه آقایان بیان فرمودند و از جمله آنروز آقای امیر تیمور فرمودند که ممکن بود بدفاتر حسابداری دربار و غیره مراجعه بشود و زمینه حاضر بشود بنده تصور میکنم در همین جا هم عرض کرده بودم که از اول هم بنده باین نکته متوجه بودم که زمینه فراهم میکنم تا حتی المقدور اشخاصی که دچار زحمت شده اند زحمتشان کمتر شود و این زمینه را هم بنده تهیه کرده ام و رسید گیهای قبلی هم بعمل آمده است و تصور میکنم راه خوبی پیموده شده است برای اینکه مطلب روشن و عملی بشود ( دکتر سنگک - این را هم بفرمائید که تحت هیچ تأثیری هم واقع نخواهید شد ) بنده گمان میکنم که این توضیح دیگر زائد باشد زیرا آقایان تصور میکنند بقدر کافی بنده را شناخته باشند که تحت تأثیر واقع نمیشوم دلیل هم ندارد که تحت تأثیر واقع شویم و اگر تحت تأثیر مضری واقع شویم گناه بزرگی را مرتکب شده ایم امیدوارم چنین چیزی هم پیش نیاید اما مطالبی که امروز نماینده محترم آقای نقابت تذکر دادند راجع بقوه قضائیه و حملاتی که بقوه قضائیه وارد شده است و باید جبران شود بنده چون وقت تنگ است باز عرض میکنم که نمیتوانم بخواهم بطور تفصیل وارد مطالب شوم اما همینقدر عرض میکنم که سازمان و تشکیلات در يك جامعه و در يك کشوری البته معاول بعلم و موجهاتی میباشد و الا آن تأسیسات بوجود نمی آید و این موقع هم جای بحث آن نیست که چرا مؤسساتی که ما داریم و بنظر نماینده محترم نبایستی وجود داشته باشد بوجود آمده است البته آن علل و موجهات قوت داشته است که این مؤسسات را بوجود آورده شاید هنوز هم آن علل و موجهات باقی باشد و همان دلیل هم نمیشود از خیلی از قسمتها صرف نظر کرد تمام تشکیلاتی هم که بشر میدهد و تأسیساتی که در هر جامعه بوجود می آید از همان روزهای اول و هر چه بعد جلوتر برویم بیشتر معلوم میشود که دارای نواقصی میباشد

و البته این نواقص باید مرتفع گردد مهمترین تشکیلات کشور هم که در رأس همه قرار گرفته است و پایه و بنیان مشروطیت میباشد و عبارت از مجلس شورای ملی است برای همین است که این نواقص در آنجا تذکر داده شود و قوه مجریه هم آنرا در نظر بگیرد و متوجه بشود که اصلاحات ضروری را تدریجاً بعمل آورد . ولی این اصلاحات باید با مطالعه بعمل بیاید و اگر بدون مطالعه بمحض اینکه امری بنظر ما ناقص آمد ما بخواهیم آن تشکیلات را برهم بزنیم و آن تأسیسات را از میان ببریم دچار اشتباه بزرگتری شده ایم و نواقص بیشتری ایجاد کرده ایم که برخلاف مصلحت جامعه است و بزبان جامعه تمام میشود . دیوان دادرسی مالیه که آقای نقابت تذکر دادند يك عالی داشت که مختصرش را آقای وزیر مالیه تذکر دادند و تفصیلات را هم ممکن است که بنده به آقای نماینده محترم توضیح بدهم و آن علل هنوز هم باقی است که نمیشود از آن صرف نظر کرد و این را نمیشود دلیل بر حمله به قوه قضائیه دانست و قوه مجریه هم در این قسمت و هم در موارد دیگر میتواند هم کمک میکند هم کمک از قوه قضائیه بخواهد تا اینکه منظور بوجه احسن و واقعاً عملی شود و البته بنده نمیخواهم راجع بگذشته و معایبی که در کار بوده است و نماینده محترم متوجه آن شده اند چیزی عرض بکنم و تبرئه کنم خبر در هر قدمی که ما بر میداریم نواقصی هست و خطاهائی ممکن است و در این زمینه هم رخ داده باشد از این مطالب هم صرف میکنم که آیا در این مورد جای این مذاکرات هست یا بهتر بود رفع نواقص را با يك مطالعات بیشتری بخواهیم تا آن تشکیلات هم بتواند بوجه بیشتر بعلم و نواقص کار رفع آن را بکنند در هر صورت چه دیوان دادرسی مالیه چه دیوان کیفر کارکنان دولت اینها يك علیلی داشته است که باعث وجود آنها شده است البته عرض نمیکنم که همه آن موجهات هنوز هم بقوت خود باقی است ولی قسمت زیادی از آن موجهات حالا هم وجود دارد . شك نیست که نواقصی هم در عمل و طرز تشکیلات موجود است و باید اصلاح شود بنده هم سابقاً این جا عرض

کردم که وزارت دادگستری در نظر دارد و مشغول مطالعه است که اصلاحاتی که باید در کلیه قسمتها از جمله در این قسمت بعمل آورد و البته نتیجه اش هم بعرض آقایان خواهد رسید و ملاحظه خواهند فرمود اما اینکه تذکر دادند که با این نواقصی که هست خوبست يك چراغ خطری بر فراز آن روشن شود تا مردم آگاه شوند و در گودال این غفطرات بیفتند بنده انتظار داشتم آقای نقابت که خودشان بهتر از بنده آشنا هستند به تأسیسات دادگستری این فرمایشات را نفرمایند چون این چراغ خطر وجود دارد دیده بصیرت و قوه بینائی ایشان هم پیش از آن است که بنده بگویم ایشان ندیدند ایشان دیده اند و میدانند که این چراغ خطر بصورت دستگاه اداره نظارت و محکمه عالی انتظامی در وزارت دادگستری وجود دارد و اگر خدای نخواسته یکی از تشکیلات مارا خطائی به پیماید و یا اشتباهی بکند آنها متوجه خواهند شد و تذکر میدهند و جلو گیری می کنند و اگر کسی دچار خطری از حیث امور قضائی بشود در این تأسیسات آن خطر از او رفع میشود و جبران اشتباهات و چیزهایی که برخلاف انتظار ممکن است پیش بیاید بعمل می آید این را هم باید عرض کنم که این اشتباهات احصاء و اختصاص بما و تشکیلات جامعه ما ندارد در همه جای دنیا ممکن است این اشتباهات پیش بیاید و این تأسیسات هم برای این است که رفع اشتباهات و این خطرهای فرضی را بکنند .

راجع باشخاص و اینکه مثلاً در داسراهای شهرستان و استان اشخاص مسن تر و مهم تری بایستی بکار گذاشته شوند و به بنده تذکرانی دادند صرف نظر از اینکه نگفتند چرا با وجود احتیاج مبرم ایشان بسبب بجوانان تحصیل کرد زحمت کش بی عقیده شده اند بنده هم تصدیق دارم که اگر امثال آقای عبده در داسراهای شهرستان ما بودند البته بهتر بود و اهمیت بیشتری میداشت ولی خوب بنده از شما میپرسم که چند نفر مثل آقای عبده ما داریم ؟ و اگر ایشان را مثلاً می گذاشتیم برای ریاست داسرای شهرستان تهران برای ریاست محکمه عالی انتظامی چه میکردیم ؟ اینها يك مکانی است که اگر

شخص بیگانه این حرف را میزد و نسبت بوسائل وعده اشخاص تحصیل کرده شایسته و میزان احتیاجات تشکیلات قضائی بی اطلاع بود بنده چیزی نمیگفتم ولی آقای نقابت وارد هستند و میدانند اشخاصی را که برای رفع این احتیاجات جامعه پروراند و آماده انجام این وظایف نموده تا چه میزان است و تا چه حد هم باید انتظار داشت بنده تصور میکنم اگر دقت در این موضوع می فرمودند این اشکال را خودشان جواب میدادند . اما این که تذکر دادند باید کاری کرد که دیگر قضای از وزیر برای صدور حکمش اجازه نخواهد و وزیر هم اجازه ندهد باز هم بنده تعجب میکنم که چرا آقای نقابت حقیقت را از نظر دور داشته اند بنده راجع بگذشته اطلاعی ندارم اما در این مدت که متمناوز از یکسال و نیم است خود بنده خدمتگذار دادگستری هستم نه فقط اطمینان میدهم بلکه میدانم خود آقای نقابت هم یقین دارند که در این مدت حتی يك مورد را هم خود نمایند محترم یا يك کس دیگری نمی تواند نشان بدهد که کسی از قضات برای صدور رأی خود از وزیر دادگستری اجازه خواسته باشد بعقیده بنده هم وزیر دادگستری همانطور که فرمودند ناخدائی است که باید مراقب باشد کشتی دادگستری در مجرای قانون و سلامت طی راه کند و عقید هستم که این طرز عمل همیشه سیره وزارت دادگستری باشد و همه عادت باین رویه کنیم و این عمل در زمان بنده شده است و امیدوارم بعد هم خواهد شد که وزیر در کار قضای و قضاوت مداخله نکند ( صحیح است ) عمده مطالب این بود که عرض کردم و یادداشت های دیگری هم دارم که چون وقت تنگ است صرف نظر میکنم و تمنی میکنم آقای نماینده محترم اگر میل داشته باشند از حقایق آگاه شوند تشریف بیاورند تا توضیحات بیشتری بایشان بدهم .

رئیس - آقای روحی

روحی - سخن بسیار فرسودگی آورده است برای آقایان نمایندگان و هیئت محترم دولت این است که بنده سعی میکنم که خیلی مختصر ادای مقصود کرده باشم . عرض



کنم که برنامه ای که دولت تقدیم مجلس شورای ملی داشته است فقط میتوان گفت يك وسیله معمولی است و يك فرمالیته ایست برای دادن رأی اعتماد به مجلس و برای اینکه صلاحیت دولت را برای رأی اعتماد مجلس بآنان احراز کرده باشند والا برای هر قسمت از اینها هم که در برنامه ذکر شده است يك قانون جداگانه لازم است کشاورزی را میخواهند توسعه دهند قانون علیحده باید بیآورند همینطور سایر قسمتها من می خواستم خاطر محترم جناب آقای نخست وزیر را که کاملاً شهادت الله مورد اعتماد و اتفاق اکثریت مجلس هستند و نظر اکثریت مجلس بشخص ایشان است و ایشان هم متوجه اصلاحات هستند متوجه ساخته باشم که خوب بود يك برنامه دو ساله سه ساله پنج ساله برای اصلاحات در کشور بیآورند که این چرخه که با مقررات با زحمت با رنج در این کشور و با خون دل بچریان افتاده است و در واقع فشار مالیات ها هم مردم را خرد کرده است سازمان این چرخ نباید متوقف بشود و دولت می آمد و می گفت مثلاً طبق این نقشه من اینقدر در این چند سال سد بندی میکنم ، راه آهن میکشیم سایر اصلاحات اساسی را میکنم ، بالفرض این دولت نبود يك دولت دیگری ناگزیر بود همین اصلاحات را دنبال و پیروی کند بنده امروز سراً عرض میکنم که تمام این چرخها در کشور خوابیده است و البته انتظار دارم که هیئت دولت توجهی بکنند توانایی بخرج بدهد قدرت بخرج بدهد که اینها را بچریان بیندازد البته این انتظار همه است (صحیح است) که هیئت دولت برای گردش همه این چرخها يك توجهی بکنند و توقف را رواندارند (صحیح است) زیرا وقوف بعقیده عقلا و فلاسفه روی باحطاط و مرگ است و ما نباید تسلیم بوقوف و مرگ بشویم و حالا من سربحاً عرض میکنم صدی شصت از عایدات ما بارتش داده میشد حالا ما این خرج را اینقدر می کنیم و بنده نمیگویم که بیایید بمالیات اضافه و تحمیلی بکنید البته آقای وزیر دارائی اضافه مالیات مورد پسندشان نبوده است ولی در مورد بنزین که اضافه شد بهر حال پس این کارها را بکنید و این چرخها را

بگردش بیندازید که کارها با همان سرعت که در پیش بوده و با کمال صحت پیش برود و بچریان خودش بیفتد . عرض دیگر بنده موضوع فارس و کرمان است بنده صریحاً عرض میکنم که در ظرف این مدت بیست سال که تمام این کشور خدماتی شده و توجهاتی شده است کارخانه جانی دائر شده خط آهن هائی کشیده شده است و بالاخره يك دست توانائی ولو هر قدر هم جامعه بخواند تنقید کند از این خدماتی که شده است از طرف او که این خدمات بس آبرومندی باین کشور شده است و سازمانهای بس بزرگی هم ایجاد شده است اتفاقاً کوچکترین توجهی بفارس و کرمان نشده است آقای سپاهی وزیر امور خارجه که خود مدتی در کرمان تشریف داشتند خوب توجه دارند که از این کارخانه ها هیچ یکی هم بکرمان نرفت همینطور از قسمتهای دیگر ، از خزانه بانك کشاورزی يك دینار بکرمانی داده نشد . همینطور در فارس چرا فقط يك کارخانه قندی در مرودشت شبراز که آن هم در فارس است نه کرمان ، من چیزی نمیگویم ، البته بجزوردی ، کرمانی ، مراغه ، مثل فارسی و کرمانی همه جزو کشور ایران و همه وطن ماست و ما همه آنها را علاقه داریم و میخواستیم دولت توجهی بکنند باین موضوع و مخصوصاً بنده توجه جناب آقای رئیس دولت را باین موضوع جلب می کنم . . .

موضوع دوم موضوع خواربار است بنده بآقایانی که رفند خدمت آقای نخست وزیر که شاید نظر آنها را جلب کنند برای افراد هیئت دولت بنده عرض کردم که شما نظری نداشته باشید در افراد نظر مثبت یا منفی در افراد نداشته باشید بآنها گفتم خدمت خودشان هم عرض کردم که امروز از همه چیز واجب تر و ضروری تر موضوع خواربار است و کشور ما امروز نیازمند يك نفر وزیر خواربار است زیرا امروزه ارزاق عمومی و خواربار تأمین نیست ملاحظه بفرمائید آقای نخست وزیر وضع خواربار بکجا کشیده است از اکی نان يك من سه ربال دارد اصفهانی ۸ ربال کرمانی ۷ ربال البته همه می دانید امسال بهترین سالی بوده است که ما جنس در کشور داشتیم و شاید اضافه هم بر مصرف خودمان داشته ایم باینحال طوری

شده است که حالا ما باید از خارج جنس بیآوریم اینها چه شده است ؟ همه اینها اختکار شده است اختکار و شما باید از این اختکار جلوگیری کنید که انبارها خرد خرد از بین برود و در داخله جنس را اختکار نکنند و این تنگی آذوقه از جامعه برود و آذوقه و خواربار کشور فراوان شود و توجهی باین درد بشود و نظارت کامل هیئت دولت در این امر خیلی لازم است یکی دیگر از قسمتهائی که می خواهم عرض کنم راجع ببانك کشاورزی است بانك کشاورزی که می توانم عرض کنم ستون فقرات اقتصادی کشور است و این بانك هر روز يك مشکلات جدیدی را برای ارباب رجوع ایجاد میکند که مردم نمیتوانند استفاده از آن بکنند باید ملاتق ثبت شده بدهند تضمین دو چندان بدهند و این مقررات خیلی مشکل است که بایستی اینها را بر داشت این مقررات سخت را بر سرمایه بانك را علاوه کرد بلکه مردم قنوت خودشان را از روی بکنند زمینهای بایر خودشان را آباد کنند تهیه آب کنند اصلاحاتی بکنند که در زمینهای قابل کشتشان کشت و زرع بشود و فلاحت کنند پیشرفت کند و آباد بشود . موضوع دیگر عرایضم این بود که خواستم توجه بدهم آقای وزیر فرهنگ را ، شخص ایشان از مبانی کامل مشروطیت ایران هستند و تمام جریانات را در این کشور میدانند و آن موضوع کلاس سالمندان است که موضوع عجیبی شده است در این کشور يك بودجه بس گزافی را این کار میخورد آ وقت هم می آیند و پیشخدمت اداری و حامی و حمال سر گذر را میبرند بمنف در آنجا و این صد دینار هم فایده ندارد آ وقت برای يك ملتی سزاوار نیست که بچه هار بگذارند که ول بگردند و تحصیل نکنند و آ وقت پنجاه سالش که شد بیآورندش و مجبور کنند که تحصیل کنند در کلاس سالمندان اینها سزاوار و شایسته نیست و هیچ فایده هم ندارد من عقیده دارم که خرج اینها را در بودجه کشور اختصاص بدهید برای دواستان در در استان در جنوب و در شمال در خوزستان و در آذربایجان در این جاها تعلیم را اجباری کنید هیچ کاری هم ندارد محل هم دارید کلاس اکابر هم لازم ندارید که باین ترتیب بچه برود تحصیل کنند ولی مرد پنجاه ساله را ببرند با چهار بکلاس سالمندان این يك چیزی است که بایستی

در آن نظر کرد و برای نمونه هم که شده است در يك قسمت استان کشور عملی بشود و تعلیم اجباری را عملاً شروع کنیم دبستانهای دو کلاسه و سه کلاسه که بچه ها بروند و از اول عمر تعلیم بگیرند و خواندن و نوشتن را یاد بگیرند این بسیار ضرورت دارد .

یکی دیگر از عرایضم موضوع کارخانه های داخلی است این کارخانه ها يك روز هم خدمتشان عرض کردم اینها از همه چیز از گمرک و از سایر عوارض معاف بوده اند و همه نوع تسهیلاتی هم برایشان قائل شده اند بنده هم در داخله کشور هست امروز هم ما احتیاج مبرم داریم اینها باید يك طوری باشد که مصنوعاتشان را اینقدر گران ن فروشند ملاحظه بفرمائید اینها تا الآن چند برابر پول کارخانه هاشان را واصل سرمایه شان را در آورده اند کارخانه هم مال خود کشور است بنده هم مال خود کشور کارگر هم مال خود کشور خوب اینها نباید پیش از صدی ده سود ببرند نه اینکه در این موقع تنگی این طور رفتار بکنند این مقضی نیست که ما بنشینیم و اینها هر اندازه که دلشان میخواهد جنس را ب مردم بفروشند آخر چرا ؟ این نظارت خیلی خیلی دقیق میخواهد که باید این قسمت هر طور شده کاملاً تعدیل شود که مردم در رفاه باشند (صحیح است) قسمت دیگر موضوع حمل و نقل است و بنده امیدوارم دولت برای این موضوع چه در نظر دارد شاید در چهار ماه دیگر ما بتوانیم حمل و نقل مان را اداره کنیم امروز لاستیک برای اتومبیل های باری لازم است نه برای اتومبیل شخصی بنده عرض میکنم با اتومبیل شخصی ندهند ولی باید اقدامی بشود و طوری بشود که ما از حیث حمل و نقل دچار مضیقه نشویم این هم يك موضوعی بود که بنده خواستم عرض کرده باشم .

یکی دیگر از عرایض بنده که خیلی علاقه دارم و شخصاً عقیده دارم که باید يك بنده مأمورین وظیفه شناس بانوبیخ شود و یا بکیفر برسند و آن این است که در این وانامائیکه در شهر بور ماه در کشور اتفاق افتاد از لشکر شرق يك عده کار و وظیفه و خدمت خرد را ترك کردند و رفتند و امیدوارم

آیا این قضایا تحت رسیدگی است یا نه یا مأمورین دیگر مثلاً فلان آقای رئیس پست یا فلان رئیس دارائی که پست خود را ول کرده و گذاشته رفته و فرار کرده و نمیدانم سر از کجا در آورده بدون اینکه خطاری با او متوجه شده باشد آیا این موضوعها رسیدگی شده؟ ما باید باین کارها برسیم و اینها باید مورد توبیخ و کیفر قرار گیرند. ما بایستی باین قضایا متوجه باشیم شاید خدای بخوایسته یک خطرات بیشتری پیش بیاید و حال کشور بدتر از این شد باین مأمورین چه باید کرد؟ اینچنین باید دولت مأمورین وظیفه شناس را تشویق کند و پاداش بدهد و آتیهائی هم که پستشان را ول کرده و فرار کرده اند آنها را باید کیفر داد (صحیح است) و همه انواع توبیخ و تعقیب کرد و حال آنکه الآن من می بینم امروز بعضی ها که این کارها را کرده اند راست دارند راه میروند و مردم افتخار هم میکنند (صحیح است) این قسمت ها را بنده عقیده دارم **بسیار** جداً باید تحت تعقیب قرار دهند و رسیدگی **بکنند** و توجه داشته باشند (صحیح است) و مأمورین را بوظایف خودشان آشنا کنند.

یکی دیگر چوه من با آقای وزیر جنگ کنونی عقیده دارم و با کدمنی ایشان معتقدم و بایشان علاقه دارم نمیدانم این ترفیعات و تمییرات رادر وزارت جنگ بچه جهت میدهند **بسیار** یک عده را خارج میکنند یک دسته را بر میدارند و متقاعد میکنند و بی جهت یک دسته را کار میدهند یک دسته را نمیدهند اینها را که عرض کردم فقط چیزی که من را افتناع میکند همانا اطمینانی است که با کدمنی و درستی شخص آقای وزیر جنگ دارم و ایشان را بسیار بسیار مرد شریف با کدمن میدانم امیدوارم که عرض کنم این قسمت هم طوری باشد که اعمال نظریات شخص درش مداخلت نداشته باشد. یکی دیگر از عرایضم این است: یک نفر از آقایان یادداشتی الآن در موضوع دوا این داده است شما اگر الآن باحصائی که کم کی نگاه کنید با اندازه چهار سال در طهران دوا داریم و تمام احتکار شده است و این یک قانونی میخواهد آقای نخست وزیر بایستی برای احتکار قانونی بیآورند حتی

حل خواهد شد ولی بعضی قسمتهای برجسته در نطق آقایان بود که آن را خواستم جواب عرض کنم

اولاً موضوع دوا بود که این موضوع فوق العاده طرف توجه هیئت دولت است و مخصوصاً آقای وزیر بهداری در این خصوص اقدامات جدی کرده اند و در نظر دارند که در حدود وسائل ممکنه موضوع دوا آن طوری حل شود که بر اشخاصی که محتاج بدوا هستند صدمه وارد نشود و از این حیث جای هیچگونه نگرانی نیست

اماراجع بوزارت جنگ اعتراض کردند که چرا اصلاحات اداری شده است جواباً میگویم که البته یکی از اصلاحات اساسی که هیئت دولت در نظر دارد اصلاح اداری است برای اینکه یک تشکیلاتی بر طبق مقتضیات ادوار گذشته ایجاد شده و امروز در نظر دارد تجدید نظری در آن تشکیلات بکند و زوائیدی که بنظر میرسد آنها را بطور عادلانه اصلاح کند و از میان ببرد. تجدید نظر در تشکیلات و اصلاحات اداری اگر قانون داشته باشد از حقوق مختصه وزیر است و اگر محتاج بقانون هم باشد البته قانونش را تقدیم مجلس خواهد کرد تا با نظر و تصویب مجلس شورای ملی بموقع عمل و اجرا بگذارد بنابراین اگر در وزارت جنگ اصلاحاتی بعمل آمده است اشکالی ندارد و جای نگرانی نیست. اماراجع به باز نشستگی این هم بر طبق یک قانونی است که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است و بر طبق آن یک عده از افسران وزارت جنگ باز نشسته شدند و راجع بآن اشخاص هم که اشاره کردند که از مأموریت و شغل خود فرار کرده اند آن هم مورد توجه خاص وزارت جنگ واقع **بشده** است و رسیدگی میکنند که هر کدام از این افسران فرار کرده و انجام وظیفه نکرده باشند حتماً بداد گاه نظامی **احاطه** خواهد شد اما آتیهائی که عذر مرجه داشته باشند البته رعایت حال آنها هم خواهد شد و رسیدگی در این موضوع هم بموجب نگرانی خاطر آقایان نخواهد بود برای اینکه باید در این موضوع قضاوت بشود و انصاف هم خواهد شد تا اینکه در آتیه افسران کاملاً متوجه انجام وظیفه باشند و هیچوقت از وزیر بار انجام وظیفه شانه خالی نکنند

و آتیهائی که انجام وظیفه کرده اند نیز باید مورد تقدیر واقع کردند. اما آن قسمتی که مربوط بخودم است آن را هم اگر اجازه میفرمائید چند کلمه در آن باب عرض کنم: فرمودند کلاس سالمندان لازم نیست متأسفانه بنده باین فکر همراه نیستم و برای این موضوع لازم است که مختصراً عرض کنم که همه آقایان بدانند که تعلیمات عمومی سالها وقت لازم دارد و ما وقتیکه از اطفال شروع میکنیم می بینیم شش سال دوره ابتدائی است شش سال هم دوره متوسطه و دوره عالی هم حد اقل سه سال و حد اکثر شش سال پس بنابراین اگر چنانچه یک طفل هفت ساله امروز وارد دبستان بشود و مملکت بخواد منتظر بشود که از وجود این طفل استفاده کند شش سال و شش سال دوازده سال و شش سال هجده سال باید انتظار بکشد که یک طفل هفت ساله امروز بعد از ۱۸ سال بکنفر شخص مطلع و مفیدی از این کارخانه های آدم سازی مملکت بیرون بیاید و البته در نظر این مدت عده زیادی هستند در این مملکت که بنده آن نسبت صدی چندش را متأسفانه امروز نمیدخواهم عرض کنم ولی بدآور کلی اکثریت تام با آتیهائی است که **سواد** ندارد بنابراین ما باید باین دست اطفال امروزی خودمان را در دبستانها بگذاریم و انتظار اختتام دوره تحصیل آنها را بکشیم و باین دست دیگر آن سالمندان را که بواسطه نبودن وسائل کافی از تحصیل باز مانده اند و وسائل تعلیم و **سواد** شدن آنها را تهیه کنیم باین جهت بوده است که کلاس سالمندان ما با باسقم قدیم کلاس اکابر تأسیس شد و نمیشود از آن صرف نظر کرد و این که فرمودند **بسیار** بعضی از افراد را با جبار جلب میکنند با **بسیار** البته اگر با جبار باشد جلو گیری خواهد شد از آن و اگر یک واقعهی دراصل عمل باشد البته آن را هم بنده رسیدگی خواهم کرد و آن را رفع خواهم نمود ولی از اساسش نمی شود صرف نظر کرد و اما راجع به تعلیمات اجباری این موضوع تصور میکنم مورد توجه و **علاقه** همه ما باشد که تعلیمات ابتدائی در مملکت ما اجباری باشد اما یک نکته را هم باید عرض کنم که در مملکت ما خوشبختانه احتیاجی نیست باین که قانون تعلیمات اجباری را بموقع اجرا

فرهنگی و اصلاح اخلاق عمومی و امثال آن .

مبنده در آن قسمت که انجمنش جز بطول زمان میسر نیست عرضی ندارم و تذکراتی که در نظر دارم مربوط آن اموری است که باید با نهایت سرعت و بدون فوت یک دقیقه وقت اقدام شود و اگر با موردیگر اشاره می کنم از باب مثل و نمونه است . يك قسمت از عرایض بنده مربوط به تعدیل مالیاتها بمنظور تخفیف مالیاتی و تجدید نظر در مقررات بازرگانی و الفاء انحصار های غیر ضروری و بلکه زیان آور است که اختیارش در دست خود دولت بوده و سرعت می توانست اقدام کند . در این قسمت متأسفانه با استثنای ملغی ساختن یکی دو انحصار از قبیل انحصار برنج آهم نسبت بداخله مملکت اقدامی بعمل نیامده و آرزوی عموم بر آورده نشده است بیشتر رنج و فشارها و کله و شکایتهای مردم از این دو سه موضوع است که رفع آنها اشکالی ندارد . توده ملت از مالیاتهای سنگین کمر شکن و تعدیاتی که بنسب مقررات بازرگانی و انحصارها بر او شده و تبعیض و استثناءهای عجیب و غریبی که در اجراء همین مقررات معمول بوده در رنج و عذاب است و بیشتر کله و شکایت اکثریت از بالا رفتن سطح زندگی است که از حد تحمل گذشته و بهر يك از شکایات مردم که رسیدگی کنیم منتهی باین موضوع میشود دولت سابق در مدت کوتاه خود نه تنها باین قسمت برنامه خود به طور مطلوب عمل نکرد بلکه یکی دو مالیات هم اضافه و بر بار سنگینی که ملت از تحملش عاجز است یکی دو سربار علاوه کرده و از تصویب اکثریت طرفداران خود گذراند و با گذراندن لایحه افزایش حقوق کارمندان دولت سطح زندگی را هم قدری بالاتر برد . در برنامه فصلی هم در قسمت شش تعدیل مالیاتها برای تخفیف مالیاتی و جلوگیری از هزینه های غیر لازم و تجدید نظر در مقررات بازرگانی و الفای انحصار های غیر ضروری و اهتمام در پائین آوردن سطح زندگی عامه وعده داده شده . اما تاریخ اجرای این قسمت را بزمان دورتری که زمان تهیه و تدوین بودجه سال آینده باشد موکول داشته اند در صورتیکه در برنامه دولت سابق که رئیس و بیشتر اعضایش

بگذاریم زیرا که می بینم همه مردم امروزه بالطبع طرفدار فرهنگ و دبستان و دبیرستان هستند و برای اثبات این مطلب عرض کردم همینقدر کافی است که عرض کنم درباره ای افتتاح مدارس بقدری هجوم می آورند برای گذاشتن بچه هایشان در دبستانها که متأسفانه وزارت فرهنگ دبستان بقدر کفایت ندارد ( یکی از نمایندگان - تهیه کنید ) و سایر چیزهای دیگر و به عقیده بنده اول باید بنای دبستان را تهیه کرد بعد بقیه چیزها و بانوجه دادن خاطر آقایان باین موضوع تصور میکنم که ما باید سعی کنیم که دبستان بقدر کفایت ایجاد کنیم ( صحیح است ) و مدرسه بسازیم و مردم را تشویق کنیم یعنی آلهائی را که تمکن دارند باطوع و رغبت و شوق دبستان بسازند و وزارت فرهنگ هدیه کنند آنوقت که این دبستانها ساخته شد بنده میتوانم اطمینان بدهم که طبعاً در این مملکت تعلیمات ابتدائی بخودی خود عمومی و اجباری خواهد شد

رئیس - آقای سلطانی

سلطانی شیخ الاسلامی - در معالجه برنامه دولت نکاتی بنظر رسید که تذکر آنها را لازم میدانم و چون مصلحت عموم اقتضاء میکند که در تعیین تکلیف دولت تسریع شود سعی میکنم که مطالبم را بطور اختصار بعرض برسانم . در برنامه دولت سابق وعده هایی در خصوص اصلاح امور اقتصادی و قضائی و برقرار ساختن امنیت و غیره داده شده بود که عین آن با مختصر تغییر عبارت و اضافه یکی دو موضوع در این برنامه هم وارد شده است .

بنده اصولاً و منطلقاً طرفدار جدی قدرت و توانایی حکومت کشور خود هستم و بفضائل جناب آقای فروغی و خوبی افکار و عقاید ایشان معتقدم و اگر بعنوان مخالفت اظهار می کنم به قسمی که عرض کردم از باب تذکر است نه مخالفت . دولت سابق در برنامه خود انجام دو قسم امور را برعهده گرفته و وعده داده بود يك قسم اموریکه اختیارش در دست خود دولت در سربع الحصول بود قسم دیگر اموریکه جز بمرور زمان و تدریج انجام نمی یابد از قبیل ترقی و تکمیل صنایع و موسسات

ما را تهدید میکند .

در این دولت هم ریاست و عضویت دارند بطور صراحت ( در قسمت چهارم ) وعده شده بود که در بودجه کشور برای جلوگیری از هزینه هایی که با مقتضیات فعلی وفق نمیدهد تجدید نظر شود . از این تفاوت لهجه که در دو برنامه دیده میشود اینطور استنباط میشود که آقایان وزراء سکرت و آرامش افکار عموم را که دلیل بر مقننات ملی است دلیل بر رضی بودن و لااقل شاکتی نبودن فرض کرده و از تصمیم سابق خود که فوریت و لزوم آن مورد تصدیق همه بود صرف نظر کرده و گذشته از این که به تجدید نظر در بودجه اشاره کرده الفای انحصارها و مقررات بازرگانی را هم بموقع تهیه بودجه سال آینده محول داشته و چنین مستفاد میشود که از فکر سابق خود منصرف شده است .

از رئیس محترم حکومت که دارای افکار عالی و از جمله علمی هستند و از بعضی افراد دولت ایشان که صاحب فکر روشن و واقف بر احوال عامه مردم و دارای حس عالی و وطن پرستی هستند بهیچوجه منتظر نیستم که تجدید نظر در بودجه را که بر خلاف توانایی و بنیه مالی کشور و بر خلاف کلیه اصول و موازین اقتصادی تنظیم شده است روا ندارد و بدان اشاره نکنند . بعد از تغییر آقای تقی زاده و بلکه بعد از برداشته شدن مستشاران امریکائی از وزارت دارائی تا بامروز اساس تدوین بودجه این کشور بر هیچ اصلی جز جهل و استبداد و بی اطلاعی از حال طبقات ملت و بی علاقگی با سایش و بلکه بحیثیت جامعه نبوده و این امری است که همه می بینیم و میدانیم و محتاج به توضیح و تشریح نیست از حکومتی که مدعی اصلاح خرابکارهای گذشته است اصرار در نگهداری انحصارهای مضر و باالزام و خودداری از تجدید نظر در بودجه که شمه از چگونگی عریض شد کاملاً بعید و غریب می نماید . جناب آقای نخست وزیر : جنابعالی که مردی حکیم و صاحب تجربه اید بپردازید مردم برسید و بدبختیهای آنها را تسکین دهید و پیش از آنکه وقت بگذرد بر دل های ریش مرهمی بگذارید ملت با آخرین درجه ناتوانی و ضعف رسیده فقر و فاقه عمومی و گرانی روز افزون زندگی بقاء و موجودیت

آقایان وزراء : بهارتهای مجلل و آبار تمناهای زیبا و خیابانهای اسفالت شده آینه های انومبیل نشین های تهران نگاه نکنید و نظر خود را به نقاط دور از مرکز بیندازید و بسکنه سایر شهرهای کشور که روز بروز فقیرتر و پریشانتر میشوند توجه کنید برای نمونه فارس و شیراز را اسم میبرم و نمنا میکنم که دیروز و امروز آن را مقایسه کنید و ببینید استانی که متمولترین و زیبا ترین مستوف کشور محسوب میشد بچه روز افتاده و چگونگی در اثر ظلم و بیاداد مأمورین و غنلت حکومت مرکزی و تعدیات مأمورین طماع و نالایق و بدی اجرای قوانین تبدیل به يك ظلمتگده و وحشت آباد شده است یگانه راه علاج این بدبختی و محنت عمومی تخفیف مالیاتهای سنگین و تقلیل هزینه های ناالزام است از وسعت و بسط غیر لازم ادارات بکاهد عریض و طول سازمانت وزارت دارائی را که از زمان مرحوم داور بطارز شگفت آوری رو بفرزونی نهاده است محدود فرمائید مخارج غیر لازم که از همین حالا میتوان حذف کرد بسیار داریم برای نمونه يك فقره را بعرض می رسانم دولت در هر سال مبلغ معتدلهای بعنوان مخارج انومبیل برای سواری مدیران کل و رؤسای وزارتخانه ها میپردازد این يك قلم خرج غیر لازم است که حذف آن به هیچ جاضرر امیرساند ملتی که خورا کش نان و آب گوشت و وسیله گرمی زمستانش کرسی و خا که ذغال است و آرا هم اغلب نمیتوانند تهیه کنند اگر ایاب و ذهاب کارمندان دولتش هم با پای و پیاده و یا با روزی دوازده ریال خرج درشکبه باشد هیچ عدم تناسبی در میان نیامده و با هیچ اقتضائی مخالفت نشده است و هزاران درجه بهتر از این است که برای هر يك مأمور درجه اول ماهی لااقل دو هزار و پانصد ریال خرج انومبیل سواری بشود بعلاوه چندین هزار ریال که برای خریداری انومبیل پرداخته میشود . آقایان وزراء : گر بیان جامعه را از دست يك عده انحصارچی و شرکت چی و ~~سلسله کشهای~~ دواتی رها سبازید و در الفای انحصارهایی که نتایج آن را دیده و می بینیم تسریع فرمائید

در اثر همین انحصارها است که تجار تخته‌های سرمایه داران و تجار واقعی بسته شده و بازار کابلن و سوداگران واقعی که یکی از ارکان هر جامعه اند از هستی ساقط و برخی بنان شب محتاج شده اند و در برابر معدودی بی سرمایه های زرنگ و ورشکسته‌تنگان به تقصیر از بدی ارضاع استفاده کرده و به زور نفوذ و قدرت دولت و وجود انحصار سرمایه های دیگران را به کیسه خود ریخته و میلیونر شده اند نتیجه این وضع ناگوار و جمع شدن ثروت در دست عده معلوم الحال اینک میان افراد جامعه و سرمایه داران جدید فاصله روز افزون ایجاد شده و بوحادث ملی اعلامه پس هولناک خواهد زد ملت ایران و ما نظارتشک نیستیم و این اشخاص اگر از راه تجارت آزاد و مشروع با انحصار صحیح و بی تبعیض سرمایه دار و میلیونر شده بودند هیچکس حرفی نداشت و بلکه همه خوشحال بودند و میگفتند نوش جانشان باشد خدا بیشتر بدهد اما این اشخاص بدبختانه از قدرت نامحدود دولت سوء استفاده کرده اند و بطریق نامشروعی که شرحش مقنن نیست تمام تجارت کشور را بخود انحصار داده اند و اینکاش تمام تجار تخته‌ها در دست خود دولت بود که سود آهم عاید می‌شد بدیهی است که دولت تاجر نیست و نباید تجارت کند بلکه باید بکوشد و افراد ملت خود را تاجر و سرمایه دار سازد چه دولت باعتبار ملت در جهان متمول یا فقیر شناخته خواهد شد لیکن بودن تجار آنها در دست دوات بهتر از این انحصارها و شرکتهای زیان آور است. یکی دیگر از عریض بنده که اهمیت درجه اول دارد اینست که در روز بیست و پنجم شهر یور در جلسه ۱۱۵ دوره دوازدهم جناب آقای نخست وزیر در ضمن اعلام استعفاء و کناره گیری شاه سابق پیام عالیحضرت پادشاه جوان و آزادیخواه ما را به مجلس شورای ملی و عامه مردم ابلاغ کردند و از جمله این بود: (که ملت ایران بداند که من کاملاً یک پادشاه قانونی هستم و تصمیم قطعی من بر این است که قانون اساسی دولت و مملکت و ملت ایران را کاملاً رعایت کنم و محفوظ بدارم و جریان عادی قوانین را هم که مجلس شورای ملی وضع کرده است یا وضع خواهد

کرد تأمین کنم و اگر در گذشته نسبت به مردم جمعاً یا فرداً نعدیانی شده باشد از صد تا ذیل معافان باشند که اقدام خواهیم کرد از برای آنکه آن تعدیات مرتفع و حتی الامکان جبران بشود) این بود فرمایشات پرمغز و امید بخش همایونی که آقای نخست وزیر اعلام کردند حال بدبینیم در اجرای این نیت و اراده عالی چه اقدامی شده است. همه میدانیم که حکومت اسبق نه تنها قوانین پیش از زمان خود را محترم نمیشمر بلکه بقوانینی هم که خود پیشنهاد کرده و از تصویب مجلس گذرانده بود واقعی نمی نهاد و در هر موقع که رأی اقتضا میکرد به لغو آنها عملاً اقدام مینمود برای نمونه یک فقره را بمرض میرسام و آن تعطیل دانشکده معقول و منقول است که بموجب قانون تأسیس دانشگاه یکی از شعبش گانه دانشگاه است که باید دائر باشد و چند سالی هم دائر و برقرار بود و بعد معلوم نشد که چرا و بکدام مجوز قانونی تعطیل کرده اند. این دانشکده تنها مرکز علمی بود که علوم سابق یعنی تئایج انکار هزاران عالم و فیلسوف و حکیم و ادیب و ریاضی دان و پزشک را که در ظرف ۱۲۰۰ و بلکه دو سه هزار سال بوجود آمده است از محو و اندراس مصون میداشت و همه میدانیم که پایه تمام ترقیات عصر حاضر بر همین افکار نهاده شده و همین معلومات است که تمدن قدیم را به تمدن جدید مربوط میدارد این دانشکده تنها مرکز علمی بوده که رنگ ملیت و ایرانیست داشت و میبایست در نگهداری آن بیش از سایر مراکز علمی سعی و دقت شود و اگر در اداره آن تقاضی و یا معاوبی وجود داشت میبایست در مرتفع ساختن آن بکوشند و اداره آنرا باشخاصی که از هر جهت لایق و قابل اعتماد باشند واگذارند نه اینکه آنرا پس از چند سال دائر بودن بدون سبب و دلیلی ظاهر به بندند. از این لغو قانونها که یکی برای نمونه عرض شد بسیار است و دولت کنونی که بنام آزادی و قانون روی کار آمده است باید قوانین ترک شده را از سر نو احیاء و تجدید کند محترم و محفوظ بودن قوانین آثار زبان آوری در این مملکت تولید کرده و از جمله موضوعی است که ظاهراً بی اهمیت مینماید

لیکن تأثیر آن در بدین ساختن مردم نسبت به حکومت قانونی کمال اهمیت را دارد و آن این که قاطبه مأمورین دولت و لاقلاً اکثریت آنها از کوچک و بزرگ بنوعی از رفتار مستبدانه عادت کرده و در ادای وظایف اداری یا انجام تقاضاهای ارباب رجوع شخصیت خود را بیش از اوامر قانون و آئین نامه‌ها معتب و محترم می‌شمرند و بطوریکه میشنوبیم هنوز مأمورینی از درجه سوم و چهارم هستند که برای آزار ارباب رجوع تفسیر مواد قانون را که خاص مجلس شورای ملی است بهانه قرار میدهند و بانداشتن سواد و عاجز بودن از فهم یک عبارت ساده فارسی کلمات و عبارات قانون و آئین نامه را برخلاف منظور واضح اصلی تفسیر میکنند و آنرا وسیله آزار ارباب رجوع یا غرض رانی نسبت بزید و عمر و دماغ سوزی افراد و اعضای لایق دانشمند قرار میدهند و میشنوبیم که بعضی از همین آقایان درجه ۳ و چهارم که در برابر قوانین و آئین نامه‌ها رأی من و عقیده قطعی من میگویند و میل و اراده شخصی خود را بدین عبارت مستبدانه بکرسی می‌نشانند. این روح پلید استبدادی که در ظرف بیست سال سوء اداره و تربیت در این کالبدها دمیده شده است باید از بین برود و خفه شود و روح وظیفه شناسی و ایمان به قانون و عظمت و احترام بقوانین موضوعه جانشین آن گردد.

پادشاه جوان و آزادیخواه ما در آخر پیام خود وعده میدهند که: هر نوع تعدی که بمردم جمعاً یا فرداً شده است مرتفع خواهد شد. اکنون باید دید که قوه مجریه باوزراء در انجام باالجاز این وعده چه اقدامی کرده و تاکنون چند دسته از ستمکاران و متعديان را به دادگاه تسلیم نموده اند؟ متأسفانه از این منظور مقدس آنچه با کمال سرعت و فوریت انجام شد همان ضبط املاک شاه سابق بود که شخص شریف پادشاه جوان و محبوب ما املاک و دارائی پدر خود را که مال ملت بود به ملت مرحمت فرمودند و دیگر از احدی حقوق ملت مطالبه و دریافت نشده است و گویا تجارز کهنه بحق مردم همان شاه سابق بوده است لاغیر. در صورتیکه شاه سابق اگر استفاده‌ای از اموال و املاک مردم کرد خدمانی هم

در برابرش انجام داده است لیکن یکمده مأمورین بیدادگر چه در مرکز و چه در شهرها می‌شناسیم که از غارت اموال مردم صاحب میلیونها شده و با نهایت آزادی و بلکه سر بلندی به تمیض از حاصل غارتگریهای خود مشغولند و به قانون و بعدالت می‌خندند. آقایان وزراء: تعقیب و مجازات این بیدادگران را که ملت را از صغیر و کبیر کثوری و لشکری چاپیده و مملکت را باین روز سیاه نشانیده اند از مواد اساسی برنامه خود قرار دهید. شما می‌خواهید بنیاد و وحدت ملی را مستحکم سازید. این مقصود عالی در صورتی انجام می‌یابد که بدرد ملت برسد و حق او را از یک عده غارتگر که مدت بیست سال او را چاپیده اند بگیرید. تا وقتی که این بیدادگران با کمال آزادی و سلامت راه میروند و از خون جگر و اشک چشم جامعه غارتزده تمیض میکنند محال است که جامعه بحکومت و قانون اعتماد پیدا کند و پشتیبان و حامی حکومت گردد.

آقایان: منظور شاهانه را بموقع عمل بگذارید و مطالبی را که با افراد و جماعات شده است جبران کنید.

عشایر قشقایی و کوه گیلویه و بختیاری و امثال آنها که دهنده قسمت اعظم مالیات و در موقع خود پشتیبان قوه نظامی مملکت و حافظ استقلال کشورند نه تنها اموالشان غارت شده و از هستی ساقط شده اند بلکه دسته دسته از این طوائف را بدون محاکمه اعدام کرده اند! تنها چندین دسته برادران کوه گیلوانی مرا که بهیچ عنوانی در محاکم نظامی نتوانستند گناهی برای آنان پیدا کنند بنام قصد فرار کشتند و گفتند امر محرمانه بود از طایفه بهمنی املاک دینی کوه گیلویه در یک روز ۹۷ نفر را کشتند که یک نفرشان کودک ۱۳ ساله بود چهار صد نفر از این طایفه را در اهواز حبس کردند و قریب سیصد نفر آنها در زندان مردند یا ناله شدند. کوه گیلویه بخدا قسم یاغی نبود طوائفش را مأمورین یاغی کردند. محسنی یاغی نبود پول حاج معین بوشهری کار خود را کرد و مأمورین باعث خمیر مایه فتنه و انقلاب آنجا شدند. خوابین بویر احمدی را با دادن تأمین و سرگند یاد کردن به طهران آوردند و بمنوان اینکه

بر علیه مملکت قیام کرده اند کشتند اما عائله و باز ماندگان آنها را بجای اینک که نگهداری و تربیت کند بجای این که بحکومت و قانون آشنا و بزنگی شهری مایل و دلگرم سازند نگذاشتند عوائد املاکشان بآنها برسد و آنها را در نهایت سختی و بدبختی نگه داشته (عوائد املاک آنها را مأمورین حیف و میل میکردند) غافل از اینک که این طرز رفتار فیلسوف را جانی و خطا کار میکند تا چه رسد ب مردم نادان. روشی که در خانه نشین کردن عشایر نشان دادند روش اعدام و افشاء بود نه تربیت و اصلاح و همین روش و جامعه ایرانی را ناتوان و امید بوحدت ملی را ضعیف کرده است. بدبختی این بود که اگر بر حسب تصادف مأمورین کدامن و شرافتمندی مانند آقای محمد حسین جهانبانی را بسکوه گیلویه میفرستادند و از روی ایمان و درستی به مملکت خدمت میکرد بجای تقدیر و سپاس چنین کسی را خلع درجه میکردند (افشار - این مطالب خارج از موضوع برنامه است) اخیراً آقا خارج از برنامه بدست در برنامه است.

آقایان: وحدت ملی باید در سایه عدالت و قانون ایجاد و تأمین شود. برای ایجاد این وحدت برای تشویق معدودی که در این عصر وحشت با کمال شرافت و بی طمعی انجام وظیفه کرده اند و برای ارشاد دلالان خدمتگزاران آینده که بادل گرم و امیدوار بآنها ناسی کنند و برای تسلیم دلهائی که از حکومت و قانون و عدالت و جامعه رمیده است گناهکاران را تسلیم دادگاه و حقوق ملت را از آنها دریافت کنید. آقای سپهبد امیر احمدی که از افسران لایق و فداکارند و امروز بخدمت وزارت کشور گماشته شده اند و شخصاً لیاقت ایشان را در خدمت با امنیت کشور دیده و شناخته ایم بخوبی میدانند که امروز آوازه عدل و داد بیش از صدای غرش توپ و خیمه تازی دارد. پس باید کاری کرد که کافه طبقات مردم بمعدل و داد و حکومت امیدوار گردند. امروز تأمین خواربار و امنیت مهمترین موضوعی است که فکر دولت را بخوده مشغول داشته و بنده بر طبق ادله و براینی که در دست دارم بدورات اطمینان میدهم که اگر مأمورین متعددی سابق را تعقیب و

مجازات کنند نخست امنیت و سپس خواربار تأمین میشود و اگر در این امر قصوری رود خمار قحط و غلار روزبر و زشدیدتر خواهد شد. مملکت تنها طهران نیست که نانش را تأمین کرده ایم و دولت البته میداند که در بیشتر نواحی مملکت بالای قحط و غلار بالا گرفته و حیات جامعه را تهدید میکند. این قحط و غلار باید جدیت همین مردم در کار و پیشه مرتفع سازد و کسانی که کشندگان پدر و برادر و غارت کنندگان اموال خود را سالم می بینند ممکن نیست که با دل شاد و امیدوار بخدمت مملکت آماده و مهیا شوند. گناهکاران شهربانی مگر همین دو سه نفر بودند که زندانی شدند؟ مگر پاسپارده پرومند کشته جوان دانشمند بیگناهی مانند خانبابا اسعد متهم به چندین جنایت دیگر نیست که با کمال آزادی و بی ترسی راه میرود و بدبختانه میشنوم او را بر خلاف عدل و انصاف از مقاماتی باو حمایت میشود و بعنوان تقیض آری تقیض از مردم (بیچاره مردم!) او را بخوزستان فرستاده اند خانبابا اسعد را همه می شناسیم که پسر مرحوم سردار اسعد بزرگک پدید آورنده اساس مشروطیت و حافظ همین مجلس شورای ملی و خادم راه آزادی و استقلال مملکت بوده. سردار اسعد را تالیخ این کشور بنام مجاهد بزرگک آزادی معرفی کرده و کسی بود که جنازه اش را میخواستند در مجلس دفن کنند تا از خدماتش قدردانی شده باشد. پسرهای این مرد بزرگک هر کدام بنوبت و سهم خود خدماتی باین مملکت کردند یکی از آنها شادروان جعفر قلی سردار اسعد وزیر جنگ سابق بود که همین مجلس شورای ملی در سخت ترین بحرانهای که برای کشور در استبداد تغییر پیش آمده بود از خدمات بزرگک او تقدیر و تمجید کرد. این شخص را بطوریکه میدانیم بر خلاف نص صریح قانون اساسی بزندان افکندند و به فجیع ترین وضعی کشتند و خالواده لشکر سلبروز سیاه نشانند و از هستی ساقط شده اند. من بنام حقوقی که سردار اسعد بزرگک به مملکت و بهمین مجلس شورای ملی دارد از پیشگاه مملکت دولت استعفا میکنم که متهمین بقتل فرزندان او مخصوصاً مرحوم جعفر قلی اسعد وزیر جنگ سابق را تعقیب و

و مجازات و خسارهای وارد به بازار گران او را ا اندازه امکان تلافی و جبران کنند.

رئیس - اینها جزو برنامه است آقا؟ چرا وقت مردم را تلف میکنید آقا. حیف است از شما.

سلطانی - باید کسانی را که در این مملکت کشته اند گفته شود. باید حقایق مکشوف شود.

رئیس - چرا وقت مردم را ضایع میکنید؟ حیف است اینها چه ربطی ب برنامه دارد آقا.

سلطانی - خوب معلوم میشود نباید کسی گناهکاران را تعقیب کند و نباید بمجازات برسند.

پس بنده صرف نظر میکنم از عرایضم. امیدواریم انشاءالله در آئیه آزادی آنطوریکه شایسته و برآزده است برقرار شود تا حقایق گفته میشود. از بیخ و بن برکنده باد استبداد (از مجلس خارج شدند).

نخست وزیر - مجلس شورای ملی آقا باید سرمشق باشد برای همه کس در ادای وظائف (صحیح است) البته زبان باید در مجلس شورای ملی آزاد باشد و همه چیز را بتوانند بگویند و ب مردم مملکت بفهمانند ولی هر چیزی بجای خودش (صحیح است) ولی عرض کردم ابتدائاً دولتی هست که می خواهد تکلیفش را بفهمد این برنامه را هم پیشنهاد کرده است حالا باید قسم بخورم والله بالله این مذاکرات مربوط به برنامه نبود (صحیح است) هیچکدام مربوط به بنده نبود. سابق بر این چه واقع شده است چه ربطی به بنده دارد (صحیح است) بنده میخواهم يك پیشنهادی بکنم بنده میگویم که آقایان نمایندگان يك حرفهائی را مدت هائی است داشتند و می شد بگویند حالا میل دارند و می خواهند بگویند يك چیزهائی را لازم میدانند بما بگویند البته ضرری ندارد بفرمائید بگویند این مذاکرات این توصیه ها این حرفها خوبست بما بگویند بمن هم میشود بنده هم تصدیق میکنم صحیح است ولی بنده نمیی میکنم بنده هیچ عرضی نمیکند آقایان نمایندگان والله بالله بنده نمی گویم باین دولت و بمن رأی اعتماد بدهید بنده نمیی میکنم رأی خودتان را معلوم کنید اگر عدم اعتماد

است که خوب يك دولت محل اعتماد شما می آید اگر هم باین دولت رأی اعتماد دادید و اعتماد دارید که خوب تکلیف این دولت را معلوم کنید که توجه کارهای خودش باشد این اوقاتی که ما صرف این چیزها می کنیم بایستی برویم و کار کنیم و لوایح قانونی تهیه کنیم و بیاوریم این جا و شما رأی بدهید و تصویب کنید و اگر هم این حرفها لازم است این جا زده شود به اندازه آنکه تکلیف دولت معلوم و معین شد يك جلسات مخصوصی تشکیل بدهند و این صحبتها را بکنند (صحیح است) شوخی نمیکند والله شوخی نمیکند - بگویند بفرمائید ولی بعد از آنکه تعیین تکلیف دولت را کردید يك جلساتی مخصوص این صحبتها تعیین بفرمائید خوبست که این حرفها زده شود بسیار خوبست هفته دو جلسه سه جلسه مخصوص این کار تخصیص بدهید یا زیادتر هفته سه جلسه دارید زیادتر بکنید و بگویند ما هم می آئیم و می نشینیم و می فهمیم و در نظر میگیریم و کار میکنیم ولی بیائید بدو تکلیف دولت را معلوم کنید که ما بتوانیم کار کنیم الآن یازده روز است این هیئت دولت تشکیل شده و هنوز تکلیفش معلوم نشده است و من استعفا می بکنم ابتداء مجلس شورای ملی تعیین تکلیف این موضوع را بنماید (صحیح است) که ما می خواهیم بزودیم کار بکنیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (عده دیگر کافی نیست)

رئیس - آقای اعتبار  
اعتبار - استعفا میکنم که آقایان توجه داشته باشند بالاخره بنظر بنده آنطوریکه باید و شاید مذاکرات لازمه شد و مطالب گفته شده بعداً هم رئیس محترم دولت تقاضا میکنند که بالاخره تکلیف دولت معلوم شود و باین نظری که جناب آقای نخست وزیر اظهار کردند بنده هیچ مانعی نمی بینم که واقماً يك جلساتی هم مجلس داشته باشد که این مطالب بطور مشروح گفته شود از این جهت بنده استعفا میکنم آقایانیکه اجازه خواسته اند کف نفس بفرمائید و بگذارید تکلیف دولت معلوم شود. يك ساعت بعد از ظهر است آقایان هم می خواهند بروند کار کنند بگذارید مطالب را برای بعد  
رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند و باین ترتیب

دیگر بنده نمی توانم اجازه بدهم . رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات . . . .

**اورنگ** - اجازه می فرمائید بنده یک عرضی دارم . یک مخالف ، یک نفر موافق حرف بزند بعد رأی بگیرید رئیس - بفرمائید

**اورنگ** - عده زیادی از آقایان اجازه خواسته اند بیاناتی بکنند اعم از موافق یا مخالف و بنده هم جزو آن دسته هستم و بوبنده هم بماند سیده است هیچ مانعی هم نیست از اینکه رأی بگیریم منتهی نه بکفایت مذاکرات بلکه باینکه تکلیف دولت را معین کنند و نام آقایانی هم که اجازه خواسته اند محفوظ بماند برای جلسات بعد . . . . ( عده از نمایندگان - خیر خیر این ترتیب خوب نیست . کافی است مذاکرات ) . **مذاکرات** - اجازه میفرمائید بنده هم یک عرضی دارم . رئیس - بفرمائید .

**مذاکرات** - مطابق نظامنامه داخلی مجلس وقتیکه در مجلس اظهار کردند مذاکرات کافی است مقام ریاست باید بآن کسی که اظهار میکنند مذاکرات کافی است اجازه بدهد تا دلایل خودش را بگوید بعد هم یک نفر مخالف با کفایت مذاکرات اظهارات خود را اظهار میکنند و رئیس رأی میگیرد و تکلیف را مجلس معلوم میکند . حالا آقای اعتبار کفایت مذاکرات را پیشنهاد کردند و صحبت کردند آقای اورنگ هم اظهاری کردند بنظر بنده باید حالا رأی گرفت و بالآخره تکلیف مطلب را معلوم کرد .

**رئیس** - چندین نفر پیشنهاد کفایت مذاکرات و ختم مذاکرات را نمودند و بعضی هم مخالفت کرده اند حالا رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات . . . .

**دکتر جوان** - بنده مخالف هستم با رأی گرفتن بکفایت اجازه میفرمائید دلیل مخالفتم را عرض کنم

**عده از نمایندگان** - نمیشود آقای یک نفر مخالف و یک موافق صحبت کرده اند باید رأی گرفته شود . . .

**رئیس** - ( خطاب بدکتر جوان ) بفرمائید . **دکتر جوان** - علت اینکه بنده مخالف هستم برای این

است که امروز جناب آقای نخست وزیر راجع سیاست خارجی مذاکراتی فرمودند و از طرف نمایندگان محترم بنده می بینم سکوت شده است و ممکن است که بعضی ها عریاضی داشته باشند و مطالبی را بخواهند بگویند و بنده شخصاً راجع باین سیاست خارجی که فرمودند نظریاتی دارم و عریاضی خیلی مختصری دارم زیرا این یک فرمایشانی نیست که بهمین سکوت بگذرد و لوائیکه عرض بنده راجع بخودم است ازین جهت با کفایت مذاکرات مخالف هستم تا آنها خودم بتوانم پنج دقیقه عرض کرده باشم .

**رئیس** - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین برخیزند ( اکثر برخاستند ) اکثریت است تصویب شد . رأی گرفته میشود بورود در شور مواد .

**ملفوظ احمدی** - بنده صحبت هائی داشتم که اصولاً صحبت شده است در موضوع رأی خواستم با آقای نخست وزیر توضیح بدهم که آقایان نگذاشتند و البته من هم آدمی نبودم که مهمل بگویم . . . . ( از مجلس خارج شدند ) .

**وزیر فرهنگ** - اجازه میفرمائید ؟ چون فرمودند ورود در شور مواد خواستم عرض کرده باشم البته دخالت من در اموریکه مربوط بداخله مجلس است چندان مورد ندارد فقط از حیث شرکت خواستم تذکر بدهم که مطابق سابقه و اصول برنامه دولت یک ماده است و مشتمل بر اجزاء مختلف ( صحیح است ) چون حالا رأی بکفایت مذاکرات داده شده است و گویا کافی هم بود ( صحیح است ) بنابراین بنده بنام دولت عرض میکنم رأی اعتماد گرفته شود تا تکلیف دولت معلوم شود ( صحیح است ) این قسمت را هم من باب مثل عرض میکنم که از طرفی آقایان توقع جدید در کار دارند از ماها و از طرف دیگر هم میخواهند مذاکرات شان چندین روز طول بکشد و بمقیده بنده جمع بین هر دو همطور بود که جناب آقای نخست وزیر فرمودند . ( صحیح است )

**رئیس** - برنامه قرائت شده ، خوانده و رأی میگیریم **عده از نمایندگان** - خواندن لازم ندارد طبع و توزیع شده و نزد همه هست

**رئیس** - بایستی در مجلس خوانده شود **بیات** - اجازه میفرمائید ؟

**رئیس** - بفرمائید

**بیات** - اساساً نسبت ببرنامه دولت رأی گرفته نمیشود و احتیاج بخواندن هم ندارد تذکرانی در اطراف برنامه داده شد برنامه هم چاپ شده مجلس هم به کفایت مذاکرات رأی داد حالا همطور که از طرف دولت تقاضای رأی اعتماد شده است باید رأی اعتماد گرفته شود دیگر خواندن لایحه و این ها موضوعی ندارد ( صحیح است )

**طوسی** - باید پنج نفر پیشنهاد کنند تا رأی با ورقه گرفته شود

**وزیر فرهنگ** - تصور میکنم آن پنج نفری که باید در مورد أخذ رأی با ورقه پیشنهاد نمایند شامل این مورد

نباشد ما بنام هیئت دولت خودمان تقاضا میکنیم رأی با ورقه گرفته شود ( صحیح است )

**رئیس** - رأی اعتماد گرفته میشود باورقه آقایانی که اعتماد دارند ورقه سفید میدهند

( اخذ واستخراج آراء شده ۷۷ ورقه سفید و دو ورقه کبود و سه ورقه بی امضاء شمرده شد )

**رئیس** - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۱۰۳ با کثرت ۷۷ رأی رأی اعتماد بهیئت دولت داده شد

[ ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

**رئیس** - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم **جلسه آئین روز یکشنبه ۳۰ آذر ماه سه ساعت به ظهر مالده دستور هم اجرای مراسم تجلیه از طرف آقایانی که قسم یاد نهوده اند**

[ جلسه یک ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد ] **رئیس مجلس شورای ملی** - حسن اسفندیاری

اسامی موافقین : آقایان : دستم گبو - طوسی - پارسا - طالش رحمت سهیمی - ملک زاده آملی - حمزه تاش - پیرنارستانی - هزیزی - معصوم سنگ - یار احمدی - پناهی - دکتر قزل ایلیغ - ذوالقدر - معدل - صفاری - شیرازی - اردبیلی - دکتر نفیسی - مسعودی خراسانی - دکتر طاهری - نزه الاسلامی - پالیزی - دکتر سنگ - حریری - امامی - خواجه نوری - لاریجانی - نواب یزدی - دکتر لقمان نهورای - دبستانی - جلیلی - امیر ابراهیمی - جلایی - دکتر ملک زاده - اوحدی - اورنگ - ربیعی - ارشی - شاهرودی - هاشم ملک مدنی - نصرتبان - لقبوانی - نمازی - مهذب - اعتبار - بهبهانی - مرآت اسفندیاری - گودرز نیا - بیات - گرگانی - محبط - خسرو شاهی - معینی - چایچی - ابراهیمی ریگی - نائینی - فتوحی - رهبری - دکتر تاج بخش - اریوندی - مسعودی - آزادی - اکبر - کلارونبان - نیکپور - نقابت - محسن منشور - رضوی - مستشار معتمدی - فروهر - انصاری - عطاء الله پالیزی - محمد ضیائی - ابراهیم سهیمی - اسامی مخالفین : آقایان : دکتر اهری - کامل ماکو - ورقه سفید بی امضاء - سه برگ

## تصمیم قانونی

دائر به تصویب برنامه کابینه آقای محمد علی فروغی نخست وزیر

مجلس شورای ملی در جلسه ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۰ با کثرت آراء عده حاضر برنامه کابینه آقای محمد علی فروغی

نخست وزیر را تصویب نموده است .

این تصمیم در جلسه بیست و سوم آذرماه یکمزار و سیصد و بیست و تصویب مجلس شورای ملی رسیده است .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری